

قریه دهکستان به رودخانه شاهبجان پیوندد.

**رودخانه فلارد سرحد شش ناحیه:** آبش شیرین و گوارا، آب رودخانه پادنا چون به فلارد رسد، رودخانه فلارد گردد و چون رودخانه فلارد در قریه دو رود ناحیه تل خسروی کوه گیلویه به رودخانه تل خسروی پیوندد، رودخانه خرسان شود.

**رودخانه فهلیان ممسنی:** آبش شیرین و گوارا، آب چشمه تاسک به رودخانه شش پیر و رودخانه شیر پیوسته، رودخانه پل مورد گشته، از کناره قلعه سفید ممسنی گذشته، رودخانه فهلیان شود و چون از کناره قصبه فهلیان بگذرد و به رودخانه نورآباد ممسنی پیوسته، در قریه پشتکوه ناحیه باوی کوه گیلویه آن را رودخانه زهره گویند.

**رودخانه فیروزآباد:** آبش شیرین و گواراست. رود هنیفکان چون از تنگ فیروزآباد بگذرد و به آب چشمه قنب آتشکده فیروزآباد بیامیزد. آنرا رودخانه فیروزآباد گویند، پس دهات فیروزآباد را آب داده از تنگ برازجان و تنگ اغر بلوک اربعه بیرون رفته رودخانه دهرم شود.

**رودخانه قره آغاج کوه سره شکفت:** آبش شیرین و گوارا، در مملکت فارس رودخانه ای به این درازا نباشد، ابتدای آن را قره آغاج و انتهای آن که به دریای فارس می ریزد رودخانه مند گویند و در میانه هر جائی را بمناسبت، ناسی گذاشته اند. آب چشمه کان زرد و آب چشمه چهل چشمه کوه سره و چشمه سرخرک در قریه زنیان کوه سره شکفت به هم پیوسته رودخانه قره آغاج شود پس نزدیک به ۱۲ فرسخ میانه جنوب و مشرق رفته، از نواحی کوه سره شکفت گذشته به قریه دیورسیاخ رسیده، رودخانه سیاخ شود.

**رودخانه کارزین:** آبش شیرین مایل به شوری است. آب رودخانه شور جهرم و آب رودخانه خفر و آب رودخانه صیمکان در قریه سرقل آباد صیمکان به هم پیوسته، چون از تنگ کارزین بگذرد آنرا رودخانه کارزین گویند و بلوک قیر و کارزین را آب داده چون به نیم فرسخی «نیم ده» بلوک افزر رسد آن را رودخانه افزر گویند.

**رودخانه کام فیروز:** آبش شیرین و گوارا، رودخانه اوجان و رودخانه دزکرد و رودخانه خسرو شیرین در تنگ براق، میانه دزکرد و کام فیروز به هم پیوسته، وارد بلوک کام فیروز شود، پس در قریه گزمه کام فیروز به آب چشمه زردخانی آمیخته، رودخانه کام فیروز شود و در نزدیکی قریه چم شیر کام فیروز به بند رامجرد رسیده آنرا رودخانه رامجرد گویند.

**رودخانه کبک و روبسار کوه گیلویه:** آبش تلخ و شور و بی فایده است، از چشمه بی بی حکیمه برخاسته، از میان ناحیه لیراوی کوه گیلویه گذشته، در نزدیکی قریه بویرات ناحیه لیراوی به دریای فارس، فرو می ریزد.

**رودخانه کرا:** از بلوک کربال آبش شیرین و گوارا، رودخانه پرواب سرودشت و رودخانه رامجرد در نزدیک قریه عمادآباد از ناحیه خفرک سفلی از نواحی سرودشت به هم پیوسته رودخانه کرا شده در شش جای این رودخانه بند بسته است. آب بلند گشته، دهات بلوک کربال را آب داده، زیادتی به دریاچه بختکان رود.

۱. (از حد ازد از روستا کروان رود از پارس و روی به مشرق نهد و همی تا به اصطخر بگذرد بر جنوب وی و به دریای

رودخانه کربال: همان رود کر است.

رودخانه کردستان کوه گیلویه: همان رودخانه تاب است.

رودخانه کزگان قونقری: آبش شیرین و گوارا، آب چشمه نخودزار و زیادتیی آب دریاچه کافتی به هم آمیخته، رودخانه کرگان شود و در قادرآباد مشهد مرغاب به رودخانه عباس آباد پیوسته رودخانه مشهد مرغاب شود.

رودخانه کشار عباسی: آبش از شوری در کار زراعت نرود. رودخانه گله گاه سبعة از تنگ رودر گله گاه گذشته به آب چشمه آوین و چشمه رودر پیوسته، رودخانه کشار شود و چون به قریه لاتی دان عباسی رسد آنرا رودخانه کل گویند و بعد از چند فرسخ در قریه ده پل عباسی به دریای فارس فروریزد.

رودخانه کلات کوه گیلویه: آبش شیرین و گوارا، آب چشمه جن و چشمه رئیس در قریه کلات ناحیه دشمن زیاری کوه گیلویه، به آب چشمه کمردوغ و رودخانه لب آب پیوسته، رودخانه کلات شود و بعد از چندین فرسخ در دامنه قلعه دزکوه به آب چشمه منبی و چشمه اوسل پیوسته، رودخانه کردستان شود.

رودخانه گله گاه سبعة: آبش شیرین مایل به شوری است. رودخانه مرز، چندین ده را آب دهد و چون به ناحیه گله گاه رسد رودخانه گله گاه شده، از تنگ رودر گله گاه بیرون رفته، به آب چشمه آوین و چشمه رودر پیوسته رودخانه کشار شود.

رودخانه کمبل کوه گیلویه: آبش شیرین، آب چشمه دوگنبدان کوه گیلویه و آب چشمه سیدجعفر در جانب جنوبی لیشر ناحیه باوی کوه گیلویه به هم پیوسته، رودخانه کمبل شود، پس در قریه سیاه پوشان ناحیه زیدون کوه گیلویه به رودخانه خیرآباد پیوسته، پس در قریه عسکری ناحیه زیدون به رودخانه زهره آمیخته، رودخانه زیدون شود.

رودخانه کمشک لارستان: در عنوان رودخانه شور گله دار نگاشته گردید.

رودخانه کمین: آبش شیرین و گوارا، رودخانه عباس آباد قونقری و رودخانه کرگان در قریه قادرآباد مشهد مرغاب به هم آمیخته، رودخانه مشهد مرغاب شود پس به قصرالدشت آمده، رودخانه کمین گردد و چون به قریه سیوند خفرك علیای بلوک سرودشت رسد، آن را رودخانه پرواب سرودشت گویند.

رودخانه کوار: همان رودخانه صیمکان است.

رودخانه کوه سره شکفت: آبش شیرین و گوارا، آب چشمه موده خواجه و چشمه کوزرک و چشمه سرخان و چشمه بهاره و چشمه کراچ و چشمه چنار به هم پیوسته، رودخانه کوه سره شکفت شود، پس به بلوک جره آمده، آن را رودخانه جره گویند.

رودخانه لای سیاه: فاضل آب چشمه های بلوک بیضا جمع شده، رودخانه گشته، از میان بلوک بیضا و راجرد گذشته در صحرای آهوچرزرقان حومه شیراز، نایاب شود و در بعضی از سالها نزدیک بندامیر به رودخانه کربال پیوندد.

رودخانه لب آب کوه گیلویه: آبش شیرین و گوارا، آب چشمه دلی گردو و چشمه مارگان و چشمه زنگبار و چشمه سادات، در قریه لب آب ناحیه بویراحمد کوه گیلویه به هم پیوسته، رودخانه لب آب شود و چون به قریه کلات ناحیه دشمن زیاری کوه گیلویه رفته، به آب چشمه

کمردوغ و چشمه جن و چشمه رئیس آمیخته، رودخانه کلات شود.

**رودخانه لمزان لارستان:** در عنوان رودخانه شورگله دار نوشته شد.

**رودخانه لواب:** همان رودخانه لب آب کوه گیلویه است.

**رودخانه مرزسبعه:** آبش شیرین مایل به شوری است. رودخانه خسوی داراب، از

تنگ چرخي ناحیه فرک سبعه بیرون آمده از میانه قریه مرز و قریه پدسی ناحیه فرک گذشته، رودخانه مرز شود، پس چند ده را آب داده به ناحیه گله گاه سبعه رسیده، رودخانه گله گاه شود.

**رودخانه مرودشت:** همان رودخانه پرواب است.

**رودخانه مشهد مرغاب:** آبش شیرین و گوارا، رودخانه عباس آباد قوقری و رودخانه

کرگان در قادرآباد مشهد مرغاب به هم آمیخته، رودخانه مشهد مرغاب گردد، پس دهات مشهد را آب داده چون به قصرالدشت کمین رسد، رودخانه کمین گردد.

**رودخانه مند دشتی:** آبش شیرین مایل به شوری است، رودخانه دزگله در نزدیکی «باغان»

ناحیه سنا و شنبه به رودخانه ریزپیوسته، رودخانه شنبه شود و چون به نزدیکی قریه دومنالو ناحیه مندستان دشتی رسد، رودخانه مند گردد پس از نواحی مندستان برای همواری زمین بیفایده گشته، در نزدیکی قریه زیارت ناحیه مندستان، به دریای فارس فروریزد و چون زمین آن رودخانه به اندازه ای هموار است که جریان آب رودخانه محسوس نگردد او را رودخانه مند گویند: یعنی وامانده و نمی رود.

**رودخانه می رام هرمز:** آبش شیرین و گوارا مایل به شوری است. آب چشمه بوالفریس

و چشمه سیدان به هم پیوسته رودخانه «می» شود و چون در قریه سلطان آباد رامهرمز به رودخانه جایزان بیامیزد رودخانه سلطان آباد گردد.

**رودخانه نازکان کوه گیلویه:** آبش شیرین و گوارا مایل به شوری است. آب رودخانه

سرفاریاب و رودخانه پیچاب در قریه نازکان ناحیه بویراحمد کوه گیلویه به هم پیوندد، رودخانه نازکان شود، پس از چند فرسخ در قریه سوزگان بویراحمد به آب چشمه نوادر و سنقرآباد رسیده، آن را رودخانه آب شیرین مشهور به خیرآباد گویند.

**رودخانه نورآباد ممسنی:** آبش شیرین و گوارا، مایل به شوری است. آب چشمه سراب بهرام

و چشمه میل ازدها به هم پیوسته، رودخانه نورآباد شود پس در قریه بردنگان ناحیه بکش ممسنی به رودخانه فهلیان پیوسته در قریه پشتکوه ناحیه باوی کوه گیلویه رودخانه زهره گردد.

**رودخانه نهرحسن فسا:** آبش شیرین و گوارا، از چشمه نهرحسن برخاسته، چندین مزرعه

را آب دهد و چیزی از مزارع زیاد نیاید.

**رودخانه هرنگ لارستان:** در عنوان رودخانه شورگله دار نگاشته گردید.

**رودخانه هشی داراب:** از چشمه نقش رستم برخاسته، چندین ده را آب داده، به رودخانه

خسوی داراب بیامیزد.

**رودخانه هنیقان خواجه:** آبش شیرین و گوارا از آب چشمه مورد رودخانه بابل برخاسته،

در کوشک قاسم بلوک خواجه به آب چشمه زنجیران پیوسته رودخانه هنیقان گشته، بلوک خواجه را آب داده رودخانه خواجه شده، از تنگ فیروزآباد گذشته، به آب چشمه قنب آتشکده فیروزآباد آمیخته، رودخانه فیروزآباد شود.

۱. (دارای دو شعبه است یکی به نام قره آتاج که از کوههای واقع در شمال غربی شیراز جاری شده و دیگری از کوه بزیار سرچشمه گرفته در محل موسوم به پی رودک به هم متصل گردد). جغرافیا و اساسی دهات کشور، ج ۲، ص ۲۳۲.

## صحراهای مملکت فارس

در این مملکت، صحرا نسبت به کوهستان نمودی ندارد و آنچه به صحرا مشهور گشته، بر این قرار است:

**صحرای آهوچر:** دشت کوچکی است شمالی قریه زرقان حومه شیراز، خاکش شیرین و محصولش دیمی است.

**صحرای ابدالان:** دشت کوچکی است از توابع ناحیه باوی کوه گیلویه، میان قریه باشت و بلدة بهبهان. جای زراعت دیمی است.

**صحرای ابرقوه:** آنرا کفه ابرقوه می گویند، دشت وسیعی رسل زار است میان بلوک ابرقوه و کوهستان یزد. قابل زراعت نیست.

**صحرای ایزدخواست:** دشتی است از مضافات شهر لار، ۲ فرسخ مغربی قریه مزایجان، جای زراعت دیمی و نشیمن ایلات بهارلوست.

**صحرای باغ:** دشت وسیعی است از مضافات شهر لار، چندین قریه در آن افتاده است مانند هرمز و باغ و سردشت و عماده ده، جای زراعت دیمی است.

**صحرای بکان:** دشت کوچکی است میان کام فیروز و سرحد چهاردانگه.

**صحرای دشت پلنگ:** دشت کوچکی است مشرق ناحیه طسوج دشتی.

**صحرای دشتک سیاه:** دشت کوچکی است از بلوک فراشبند.

**صحرای رون:** در ناحیه بویراحمد کوه گیلویه است.

**صحرای سرپنیران:** دشت کوچکی است از بلوک کمین.

**صحرای قره آغاج:** دشت کوچکی از توابع بلوک خنج است.

**صحرای قره بلاغ:** ۳ فرسخ در ۲ فرسخ، از توابع قریه ششده بلوک فسا است برای زراعت از گاوچاه و خشخاش کاری، بهتر از همه جا است.

**صحرای قره پیری:** دشت کوچکی است، ۲ فرسخ شمالی شهر شیراز.

**صحرای گربایگان:** دشت وسیعی میان جهرم و فسا برای قشلاق ایلات عرب است.

**صحرای گل دنبه:** دشت کوچکی، ۴ فرسخ شمالی قصبه جهرم است.

صحرای گل دامچه: همان صحرای گل دنبه است.  
صحرای کنارسیاه: دشت کوچکی از بلوک فراشبد است.  
صحرای لیراوی: همان ناحیه لیراوی کوه گیلویه است.  
صحرای مهارلو: آنرا کفه مهارلو نیز گویند، دشت شوره‌زاری است میانه بلوک سروستان  
و مهارلو حومه شیراز.

## طوایف متفرقه مملکت فارس

طایفه، قبیله‌ای را گویند که از تیره‌های ایلات نباشند و در یک بلوک توقف نمایند، خواه در چادر سیاه و خواه در دهات زندگانی کنند:

(۱) — طایفه آل حرم: طایفه‌ای از عربند که در زمان قدیم از بر عمان به سواحل دریای فارس آمده در حوالی بندر بیدخون از توابع بلوک مالکی توقف نمودند و بندر عسلو را آباد کردند و حکومت این بلوک از قدیم تا کنون با مشایخ این طایفه بوده و هست و شرح حال تنقلات آنها در عنوان بلوک مالکی نگاشته گردید و زبان آل حرم به عربی باقی است.

(۲) — طایفه آل خمیس: قبیله‌ای از عربند که از بر نجد آمده، در نواحی بلوک راهرمز توقف نموده، در زمستان و تابستان در چادرهای سیاه، زندگانی کنند و از صحرای راهرمز با شدت گرمی هوا، خارج نشوند و معیشت آنها از گوسفند و مادیان و شتر و زراعت است و زبان آنها به عربی باقی است.

(۳) — طایفه آل نسور: گروهی از عربند که از بر عمان، در زمان قدیم به سواحل دریای فارس آمده، در نواحی بلوک سیراف مسکن نموده، بندرکنگان را آباد کردند و حکومت این بلوک را تصاحب نمودند و تا کنون به حکومت آن نواحی و زبان عربی باقی است.

(۴) — طایفه پاسلاوی: بیلاق آنها در کوه نارو، میانه بلوک میمند و فیروزآباد و صیمکان و قشلاق زمستانه آنها در جلگه صیمکان و میمند است، زندگانی آنها از گوسفند و بز و گاو و خر است.

(۵) — طایفه بککی: بیلاق آنها، کوه بردشکفت و قشلاق زمستانه آنها بلوک جره است، معیشت آنها از گوسفند و بز و هیمه و زغال کشی، برای شیراز است و شرح حال شهبازخان بککی در ذیل وقایع سال ۱۱۷۵ در گفتار اول این فلاسنامه ناهری نگاشته گردید.

(۶) — طایفه بنی کعب: طایفه‌ای از اعراب عراق عربند در سال ۱۱۷۸ شیخ سلیمان با طایفه بنی کعب به نواحی بلوک فلاهی آمده، بزرگان آنها در قصبه فلاهی، مسکن کرده، حکومت این بلوک را تصاحب نمودند و حاکم خود را شیخ المشایخ گویند و زبان آنها به عربی باقی است و زندگانی را [از] زراعت و نخلستان دارند.

(۷) — طایفه بهاء‌الدینی: بیلاق تابستانه آنها در کوه‌مره صیمکان و قشلاق زمستانه در جلگه صیمکان است. معیشت آنها از گوسفند و باغستان انگوردیمی است.

(۸) — طایفه تیمی و مالکی: دو طایفه از عرب بر عمان به سواحل دریای فارس آمده، در بلوک مالکی توقف نموده‌اند همه آنها ده‌نشین شده‌اند و این دو طایفه به هم آمیخته‌اند و جز ارباب خیره، تمیز آنها را ندهد و معیشت آنها از نخلستان و زراعت دیمی است و زبان آنها عربی است.

(۹) — طایفه چارراهی: اصل آنها از خلیج بلوک قونقری است، همه چادرنشین، بیلاق آنها در پاکت قونقری و قشلاق آنها در جزیره علی‌یوسف، از دریاچه بختگان [است]. معیشت آنها از گوسفند و بز است.

(۱۰) — طایفه چرکس: اصل آنها از ایل چرکس روم است. در زمان سلاطین صفویه به فارس آمده، در دهات بلوک دزکرد منزل نموده، معیشت آنها از زراعت است.

(۱۱) — طایفه جشنی: اصل آنها از خلیج قونقری است و همه چادرنشینند، بیلاق آنها در سرچاهان و پاکت قونقری و قشلاق زمستانه آنها در جزیره منگ دریاچه بختگان است و معیشت آنها از گوسفند و بز و گاو و خر است.

(۱۲) — طایفه چعب: الوار کوه‌گیلویه طایفه بنی کعب را چعب گویند.

(۱۳) — طایفه حمادی: قبیله‌ای از عرب بر عمانند، در ناحیه شیب کوه لارستان منزل نموده، همه ده‌نشین شده‌اند. مسکن آنها قریه سرباغ و رستاق شیب کوه است. معیشت آنها از زراعت دیمی و نخلستان و زبان آنها عربی است.

(۱۴) — طایفه دموخ: قبیله‌ای از اعراب بر نجدند همه ده‌نشین، مسکن آنها قریه چاه کوتاه و توابع آن از مضافات بندربوشهر و زبان آنها عربی است.

(۱۵) — طایفه سادات رضاتوفیقی: قبیله‌ای از سادات بنی هاشم‌اند و می‌گویند رضاتوفیقی به معنی رضوی و تقوی و نقوی است همه چادرنشین و در بیشتر اوقات عالمی ماهر از میانه آنها برخاسته است و مانند ایلات بیلاق را در ناحیه طیبی کوه‌گیلویه و قشلاق را در جلگه ناحیه دشت کوه‌گیلویه کنند و جناب مستطاب علامی آقا مبرعلی صالح که در مرحله زهد و تقوی و فضیلت مشهور است و جناب آقا سید حسین از این قبیله‌اند و چندین نفر طلبه علم دارند که هنگام رحله الشتاء والصیف باز مشغول مطالعه و مباحث کتب علمیه‌اند و اغلب مردان این طایفه مسائل دینی را آموخته‌اند، حتی چوپانان آنها و بیشتر اطفال آنها الفیه ابن‌مالک را از حفظ نمایند و نسب این طایفه به تحقیق دانسته نشد، همین قدر در میانه الوار محترم و معزز و از تکالیف رعیتی و دیوانی معاف و مرفوع القلم آسایش دارند و معیشت آنها از گوسفند و بز و گاو و خر و مادیان است و زراعتی ندارند.

(۱۶) — طایفه سادات میرسالار: قبیله‌ای از بنی هاشم‌اند، در ناحیه بهمنی کوه‌گیلویه‌مانند ایلات بیلاق و قشلاق کنند و معیشت آنها از گاو و گوسفند و بز و مادیان و خر باشد.

(۱۷) — طایفه سرخی: جای تابستانه آنها کوهستان کوه‌مره شکفت و زمستانه آنها قریه سرخی کوه‌مره شکفت است. معیشت آنها از بساتین انجیری و انگوری دیمی است.

(۱۸) — طایفه سقلمه‌چی: بیلاق آنها در کوهستان کوه‌مره شکفت و قشلاق آنها در

- جلگه بلوک جره و معیشت آنها از گوسفند و بز و هیمه و زغال کشی برای شیراز است.
- (۱۹) — طایفه شبانکاره: بیلاق آنها کوهستان میانه میمند و فیروزآباد و صیمکان و قشلاق آنها در جلگه صیمکان، معیشت آنها از گوسفند و بز و گاو است.
- (۲۰) — طایفه شریفات: قبیله‌ای از اعراب بر نجدند که در نواحی بندر هندیان در کنار رودخانه زیدون در زمستان و تابستان در چادرهای سیاه زندگانی کنند و در خانه گلین نشستن را عار دانند و حکومت این نواحی بندر هندیان و مضافات آن را تصاحب نموده‌اند و معیشت آنها از زراعت دیمی و گوسفند و مادیان و اسب و گاومیش باشد و زبان آنها عربی است.
- (۲۱) — طایفه شیری: قبیله‌ای از اعراب بر عمانند در قریه قلات کرزن و توابع آن از ناحیه شیب کوه لارستان توقف دارند، معیشت آنها از زراعت دیمی و نخلستان و گوسفند و زبان آنها عربی است.
- (۲۲) — طایفه عبیدلی: قبیله‌ای از اعراب بر عمانند، همه ده‌نشین در قریه حمیران و مضافات آن از ناحیه شیب کوه لارستان منزل دارند، معیشت آنها از زراعت دیمی و نخلستان، زبان آنها عربی است.
- (۲۳) — طایفه علی‌شاه‌محمدی: همه چادرنشین، بیلاق آنها کوه نارو میانه صیمکان و فیروزآباد و قشلاق آنها، جلگه صیمکان است. معیشت آنها از گوسفند است.
- (۲۴) — طایفه فرامرزی: مسکن آنها کوهستان مغربی ناحیه جهانگیریه لارستان است. معیشت آنها از بزداری و شکار کوهی است. مشهور است که هر بزی در یکسال سه مرتبه زائیده، بزغاله آورد.
- (۲۵) — طایفه فرهادی: بیلاق تابستانه آنها کوه‌سره صیمکان و قشلاق زمستانه آنها، جلگه و صحرا صیمکان است. معیشت آنها از گوسفند و بز و بساتین انگوردیمی است.
- (۲۶) — طایفه کرزا: گروهی وحشی چادرنشین مسکن آنها کوهستان میانه بیخه احشام و بیخه فال لارستان در زمستان و تابستان است. معیشت آنها از شکار کوه و بزداری است. گویند بزهای کرزا مانند بزهای فرامرزی در سالی سه بار بزاید.
- (۲۷) — طایفه گونکی: بیلاق آنها کوه خرمن کوه صیمکان قشلاق آنها، نواحی بلوک میمند، معیشت آنها از گوسفند است.
- (۲۸) — طایفه کوهکی جهرم: همه چادرنشین، مسکن آنها کوهستان میانه بلوک جهرم و بلوک بیدشهر است. معیشت آنها از هیمه کشی برای جهرم و گوسفند است.
- (۲۹) — طایفه لاوری: مردمان وحشی کوه‌نشین‌اند، مسکن آنها در کوهستان مشرقی ناحیه جهانگیریه لارستان، معیشت آنها از شکار کوه و بزداری است و بزهای این طایفه مانند بزهای فرامرزی و بزهای کرزا، در سال سه بار بزغاله بیاورد.
- (۳۰) — طایفه لشنی: بعضی در دهات خفرک و سرودشت ده‌نشین گشته، زراعت کنند و گروهی از آنها چادرنشین شده‌اند، بیلاق و قشلاق آنها بلوک آباده طشک است، معیشت این جماعت از زراعت است.
- (۳۱) — طایفه ماسلاری: همه چادرنشین، بیلاق آنها کوه سفیددار و بلوک خفر و قشلاق آنها جلگه قریه گوکان بلوک خفر و معیشت آنها از گوسفند و بزداری است و روغن



و پنیر گوسفند ماسلاری مشهور است.

(۳۲) — طایفه مرزوقی مالکی: طایفه‌ای است که با طایفه تعیمی آمیخته است، در بلوک مالکی مسکن دارند.

(۳۳) — طایفه مرزوقی: از اعراب بر عمانند، همه ده‌نشین، مسکن آنها بندر مغو و توابع آن از نواحی شیب کوه لارستان و زبان آنها به‌عربی باقی است، معیشت آنها از زراعت دیمی و سفر دریاست.

(۳۴) — طایفه نوترگی: قبیله‌ای از بختیاری چهارلنگ است که غفران‌باب کریم‌خان وکیل، چون ایل چهارلنگ را از نواحی بختیاری آورده، در بلوک فسا جا داده و بعد از وفات او عموم آنها عود به بختیاری نمودند و این قبیله نوترگی در صحرای تنگ کرم فسا به‌جا ماندند، همه چادرنشین، بیلاق و قشلاق آنها، همان صحراست و معیشت آنها از زراعت و گوسفند و گرایه‌کشی است و زبان آنها بختیاری است.

(۳۵) — طایفه هشوش: همه چادرنشین قبیله‌ای از عرب بر نجدند. مسکن آنها نواحی بندر هندیان از بلوک فلاحی است. معیشت آنها از گوسفند و سادیان و شتر و زراعت دیمی، زبان آنها عربی است.

## قلعه‌های کوهی مملکت فارس

قلعه کوهی، قلعه کوهی را گویند که از دامنه آن بر فرازش، جز از دروازه‌اش نتوان رفت.

### [۱] - قلعه استخر<sup>۱</sup>

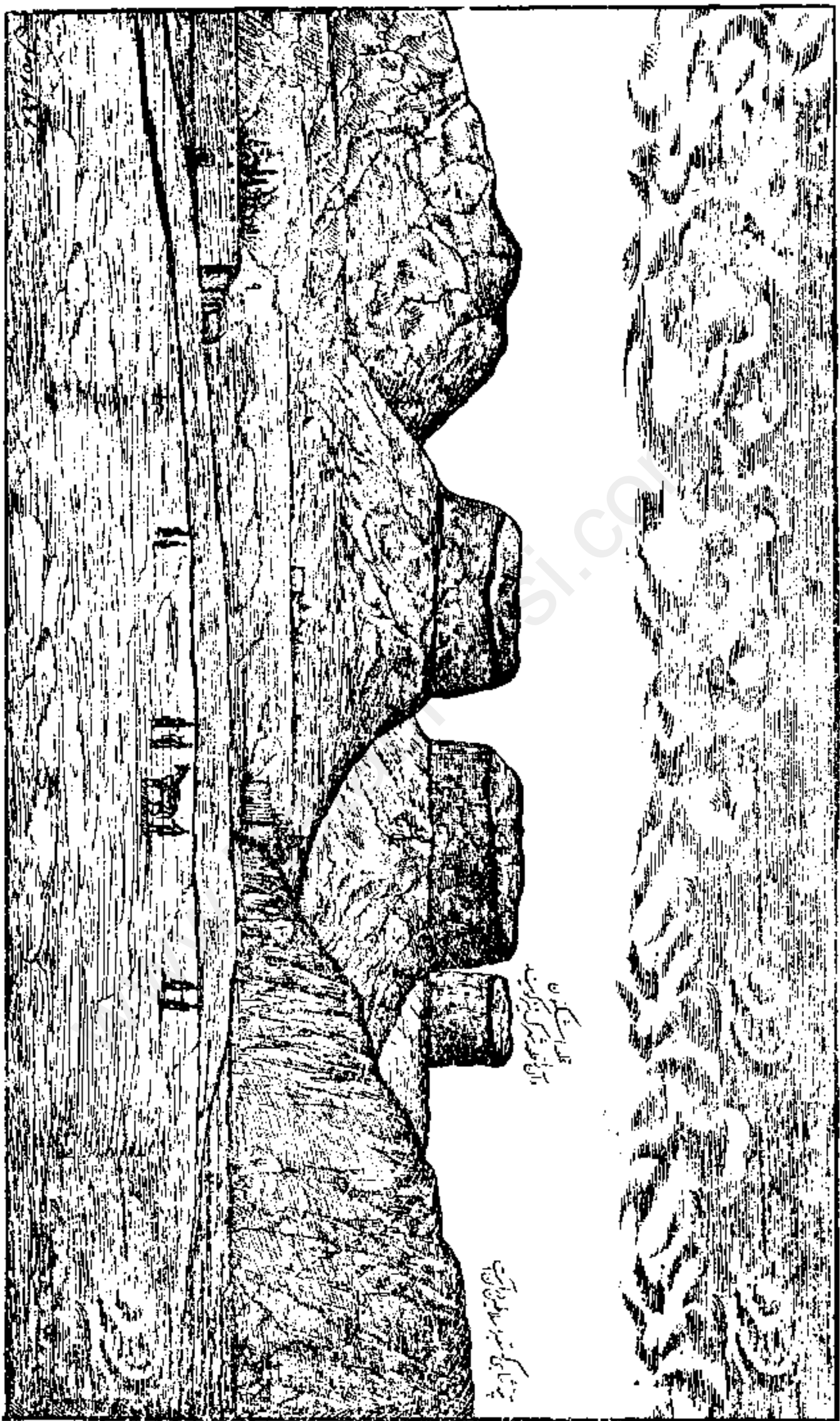
مشهورترین قلعه‌های فارس است. کوهی در جلگه ناحیه خفرک سفلی مرودشت به مسافتی از کوهستان بریده، شمالی قریه فتح‌آباد مرودشت افتاده است و این قلعه را جز یک راه نباشد و سر این کوه چندین هزار درب خانه را جا باشد، یه‌ده بیست نفر مستحفظ، چندین فوج دشمن را دفع کند و استخر به معنی تالاب و آب‌انبار بزرگ است و چون در سر این قلعه تالاب بزرگی است آنرا به این نام گفتند و امیرکبیر عضدالدوله فناخسرو دیلمی در حدود سال ۳۶۰ آب‌انباری بر فراز این کوه بساخت و ۴ پایه در آن قرار داد و بر این پایه‌ها سقفی بیست تا آبخ از تابش آفتاب فاسد نگردد و از این است که در کتابها نوشته‌اند عضدالدوله دریائی بر کوه و کوهی بر دریا گذاشت یعنی تالاب قلعه استخر و بندامیر بر رودخانه کربال و نوشته‌اند اگر ۱۰۰۰ نفر در یک سال از یک پایه آن تالاب آب بیاشامند، کفایت است و آب این تالاب از باران است و بلندی آن قلعه از ۱۰۰۰ ذرع بیشتر است.

### [۲] - قلعه اشکنوان<sup>۲</sup>

کوهی است در بلوک ابرج از کوهستان بریده، فرسخی میانه جنوب و مشرق قصبه دشتک بلوک ابرج است، آبش از [ ] قصبه حبس عمیدالدین افزری در قلعه اشکنوان در عنوان بلوک افزر گفته شد و بلندی کوه اشکنوان از کوه استخر بیشتر و احتیاج قلعه استخر به

۱. رک: آثارالعجم، ص ۲۲۱، فارسنامه ابن بلخی، ص ۲۲، ۵۱، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۶، اقلیم فارس، ص ۴۷، نزهة القلوب، ص ۱۳۲.

۲. رک: آثارالعجم، ص ۲۲۲، فارسنامه ابن بلخی، ص ۳۲، ۱۲۶، ۱۵۶، نزهة القلوب، ص ۱۳۲: (شکنوان).



قلعه اشکنون  
آن را در شهر اشکنون کردند

پیشانی که تیره را در آن است

قلعه اشکنون، نقاشی از فرصت شیرازی

مستحفظ کمتر است.

### [۳] - قلعه اصطخر

همان قلعه استخر است که بعد از تصرف عربی «سین» به «ص» و «تاء» به «طاء» تبدیل گشته است.

### [۴] - قلعه ایچ بلوک اصطهبانات

کوه کوچکی به قریه ایگ که آنرا «ایچ» گویند پیوسته، در حدود سال ۷۰۰ واند، نظام الدین محمود شبانکاره که او را به زیان شبانکاره «محمویه» گویند، آب را از کوههای دور و نزدیک بیاورد و در این کوه جاری نمود، پس حصاری بر گرد آن کوه کشید و نام آن را دارالامان گذاشت، چنانکه شرح آن در عنوان بلوک اصطهبانات نوشته گردید.

### [۵] - قلعه بختیاری

فرسخی بیشتر مغربی قریه بنا رو از ناحیه مضافات شهر لار است، آبش از آب انبار بارانی، به ده نفر تفنگچی محفوظ بماند.

### [۶] - قلعه پرویز لارستان

فرسخی بیشتر جنوبی قریه مزبوت از ناحیه مضافات شهر لار، کوه کوچکی اقتاده، آنرا قلعه پرویز و «پرویزن» گویند به ده نفر مستحفظ محفوظ بماند، آبش از آب انبار بارانی و چاهی عمیق دارد، آبش شور است.

### [۷] - قلعه بهده لارستان

کوه کوچکی به قریه بهده از ناحیه فوستان لارستان، پیوسته، آبش از آب انبار بارانی به ده نفر محفوظ بماند.

### [۸] - قلعه پهن دز شیراز

بر تیغه کوه مشرقی شهر شیراز به مسافت نیم فرسخ، چسبیده به باغ دلگشا به بلندی سیصد ذرع یا کمتر، حصاری از گچ و سنگ کشیده، چندین برج ساخته و چاهی که قطر آن نزدیک به ۴ ذرع از کوه تراشیده تا از پایان کوه گذشته، به آب رسیده است و اکنون از حصار و برجها جز پای بندی باقی نمانده است.

در کتاب شیرازنامه نوشته است: قلعه پهن دز، پیش از بنای شهر شیراز ملوک عجم آنرا معمور می داشتند و چون شیرویه پدر خود پرویز را با ۱۷ تن از برادر و برادرزادگان در یک روز

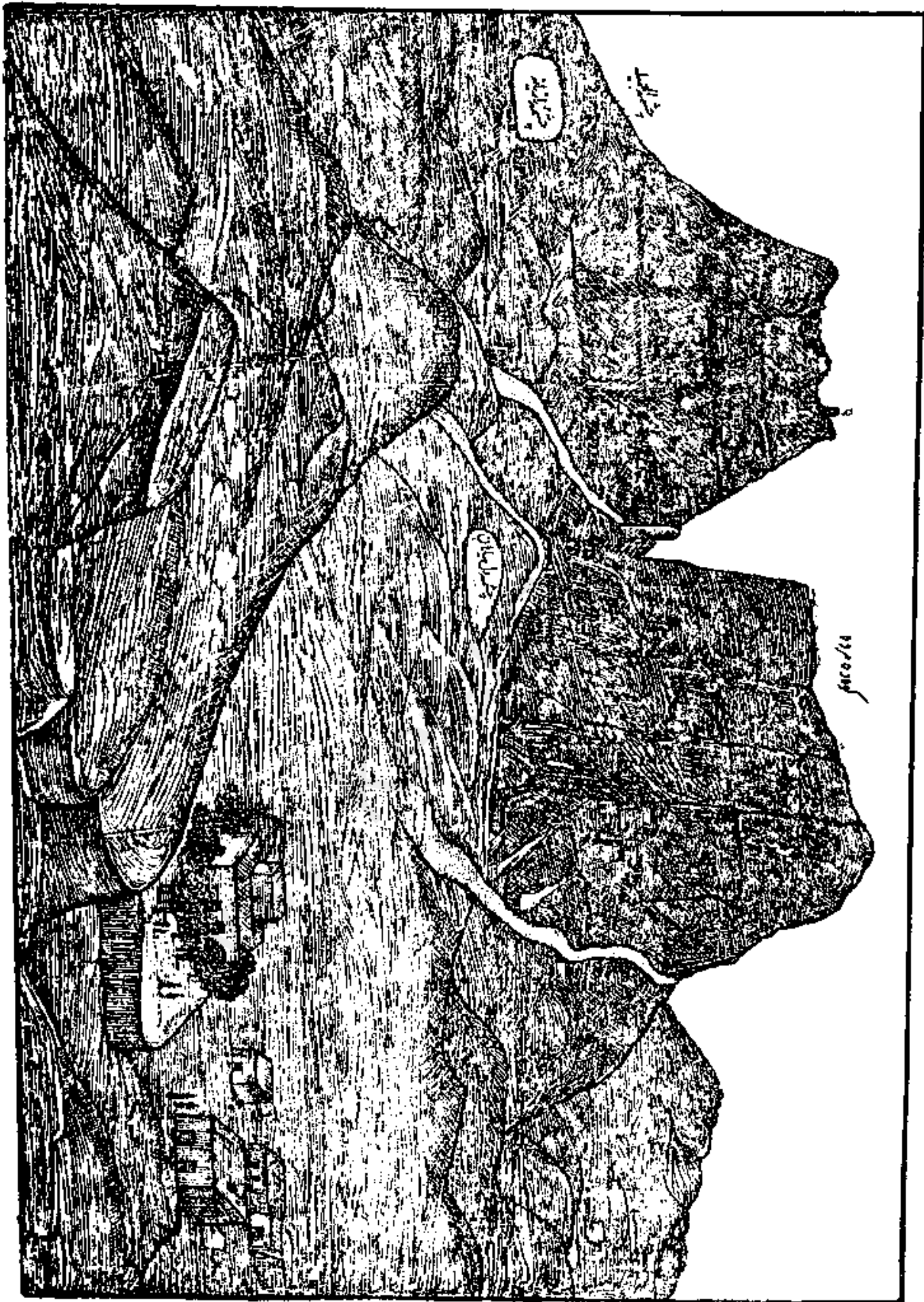
بکشت و شاهزاده یزدجرد چهارساله بود، دایه، یزدجرد را از شهر مدائن برگرفته به فارس گریخت و دو سال ونیم در قلعه پهن دز تربیتش نمود و چون نوبت شاهی به یزدجرد رسید، تاج انوشیروان و ائانه شاهی خود را به قلعه پهن دز شیراز فرستاد. جماعتی گفته‌اند آن تاج و ائانه شاهی در آن قلعه پنهان بود و آخر الامر به دست عضدالدوله دیلمی درآمد و چون لشکر عرب بر فارس استیلا یافتند قلعه پهن دز را به قهر و غلبه گرفته، حصار و بروجش را خراب نمودند پس عمادالدوله دیلمی در سال ۳۲۷ آنرا تعمیر لایق فرمود و سالها بر آبادی باقی بماند.

### [۹] - قلعه تبر جهرم

در بلوک جهرم، ۸ فرسخ مشرقی قصبه جهرم است، کوهی برج‌مانند از سیصدچهارصد تا پنجاهشصت ذرع بلندی و به فرسخی گرداگرد آن بر فراز پشته گذاشته، و سر این کوه را «رگ اول» گویند و از دامنه آن پشته تا پای این کوه نزدیک به نیم فرسخ است و در جانب مغربی آن پشته، در پای آن کوه، چشمه آب دل سیاهان است که در خشکسال دوسه نفر را آب دهد و از پای چشمه نزدیک پانصدششصد گام راهی است پیچ در پیچ که باید به دست و پا به مشقت عبور کنند پس برجی از گچ و سنگ ساخته آنرا دروازه گویند که به دو نفر تفنگچی چندین نفر را دفع کنند و در جانب مشرقی چشمه دل سیاهان به مسافت ربع فرسخی کمتر در پای کوه دروازه چندین پله‌ای از کوه تراشیده، آنرا دروازه مشرقی و راه دالان گویند و در جانب جنوبی رگ اول، کوهی به مسافت پانصدششصد گام افتاده و سر این کوه از رگ اول بلندتر است و این کوه را قلعه دهمرده گویند و در برابر ده مرده در رگ اول سنگری بسته مشهور به سنگر اسکندری است که اگر این سنگر نباشد از کوه دهمرده به رگ اول می‌توان رفت و برای رگ اول جز این سه راه که آدمی تواند رفت راهی دیگر نیست و بر سر رگ اول کوه برج‌مانندی دیگر، کوچکتر از اول است به بلندی از ۳۰۰ ذرع تخمینی تا پنجاه، شصت ذرع و این کوه را «رگ دوم» و سر آن را «نارنج قلعه» گویند و از پای رگ دوم تا کناره سر رگ اول، پنجاهشصت ذرع مسافت همواری است که بر گرداگرد رگ دوم کشیده است و در این مسافت هموار ۱۶ آب‌انبار از سنگ تراشیده به ساروج جاسه و آستر نموده، از آب باران پر گردد و از پای رگ دوم از جانب دروازه از نشیب به فراز به گنجایش جثه آدمی به اندازه پانزده شانزده ذرع از رگ اول را سوراخ کرده که گویا چاهی وارون و واژگونه کنده‌اند و بعد از عبور از این چاه وارونه که جز به ریسمان نشود مگر از برای بعضی از مردمان کوه‌گرد، نزدیک به ۱۰۰ ذرع راهی سخت است که به دست و پا باید گذشت و بر فراز رگ دوم که نارنج قلعه است رسید و در نارنج قلعه یعنی سر رگ دوم، آب‌انباری به درازی ۳۰ ذرع یا کمتر و پهنای ۱۵ ذرع یا کمتر و گودی سه‌چهار ذرع ساخته‌اند که از آب باران پر می‌شود و در نزدیکی این آب‌انبار چشمه کوچکی است که در اواخر تابستان و پائیز در شب و روزی دوسه سدهن

۱. رگ: آثار العجم، ص ۳۴۶.

۲. در نزهة القلوب، ص ۱۳۳، ۱۳۴، از قلعه دز ابرج، قلعه تیر، قلعه خورشه، نزدیک جهرم، قلعه خوادان در ولایت نسا، قلعه خوار، قلعه دم‌زوان، قلعه سهاره، قلعه سمیران در فارس سخن رفته است.



قلعه تیس، تقاضی از فرصت شیرازی

آب شیرین دهد و در ایام زستان و بهار بیشتر و نارنج قلعه را جز آبچاه وارونه راهی دیگر نباشد و در نارنج قلعه نزدیک بهچاه وارونه سه چشمه کوچک نزدیک هم است، آب یکی شور و دو دیگر شیرین و این سه چشمه نیز خاصه اهل نارنج قلعه باشد.

در تواریخ نوشته‌اند در سال ۷۳ هجری خورشید نام حاکم جهرم از محمد بن یوسف ثقفی والی مملکت فارس برادر حجاج بن یوسف، طاغی گشته، به قلعه تبر پناه برده، ایمنی یافت و در سال ۴۵۸ فضلو به شبانکاره که شرح حال او در ذیل عنوان شبانکاره گذشت، از شاه سلطان الب ارسلان سلجوقی رسیده، پناه به قلعه تبر برد و خواجه نظام الملک وزیر به فارس آمده او را محاصره نمود و او را به دست آورده، در قلعه استخر محبوسش داشت چنانکه در گفتار اول این فادنامه ناصری در ذیل وقایع سال مذکور نگاشته گردید و در سال ۱۲۷۵ که اول بنای شوریدگی ایل بهارلوی فارس بود، فضل علی نام که نسبتی بآنها داشت با عیال و سه چهار نفر از بنی اعمام خود، پناه به قلعه تبر برده از چاه وارونه گذشته در نارنج قلعه که سر رگ دویم است، رحل اقامت انداخت و اندک اندک گروهی اوباش پیروی فضل علی کرده، در حمایت او درآمده در رگ اول در داسنه رگ دویم منزل نمودند، پس بنای دزدی و راهزنی را در دهات نزدیک گذاشتند، پس با همسایگان بنای مهربانی را نموده، تعرضی به آنها نمی‌رسانید و به تحفه و هدیه از آنها قناعت داشت و راهزنی را در نواحی بندرعباس و کرمان و لارستان و بلاد دیگر انداخت و چندین مرتبه از جانب حکومت فارس، جمعی برای تنبیه او مأمور گشته، هیچ فایده نمود، بلکه بر جسارتش افزود و اتباعش از ۵۰۰ نفر گذشت و در نارنج قلعه جز خود و بنی اعمامش را راهی نبود و در سال ۱۲۹۳ حضرت اشرف ارفع والا، شاهزاده معتمدالدوله حاجی فرهاد پیرزا دام عمره و عزه، همت بر دفع او گماشته اردوی سواره و پیاده نظام و چریک و توپخانه و قورخانه و سیورسات سالانه به سرداری جناب میرزا علی محمدخان قوام الملک شیرازی روانه فرمود، قلعه تبر را محاصره نمودند و چهار ماه گذشته، کاری از پیش نرفت چنانکه پیشینیان کاری نکردند پس حضرت والا به قوام الملک مرقوم فرمود که یا اعتراف به عجز کرده، اردو را گذاشته عود کند تا دیگری به جای او مأمور گردد یا به قید التزام دو ماهه، فتح قلعه یا دادن جان به گلوله تفنگ فضل علی یا طناب میر غضب را تقبل کند، پس در دهه اول ماه محرم سال ۱۲۹۴ به خواست ایزدستعال و بخت بلند شاهنشاه جم‌جاه اسلامیان پناه، ناصرالدین شاه ادام الله تعالی عمره و دولته و عزم جزم حضرت معتمدالدوله دام اقباله، قوام الملک در نیمه شبی با پای پیاده با آنکه از یک پا، عاجز بود، جان خود را بردست گذاشته از همه پیش افتاد و توپ کوچک و قورخانه و چریک عرب و بهارلوی که همه داوطلب از جان گذشته بودند، در عقب انداخت و توپ را با طناب گذرانیده و به سرکوه دهمرده رسیدند و فوراً سنگری در برابر سنگر اسکندری بستند و بعد از روشنی صبح چند تیر توپ انداختند و فضل علی که گمان نداشت توپ به سر «دهمرده» رسد از نارنج قلعه از راه چاه به رگ اول آمده، تفحص سنگر و جماعت خود را کرده، به دروازه آمد که باز چند تیر توپ به دروازه انداختند و قدری از برج دروازه، خراب گردید و سه چهار نفر از گلوله توپ کشته شدند و از اتفاقات آنکه فضل علی یکی از آن سه چهار نفر بود، پس اهل سنگر اسکندری هم از گلوله توپ شکستند و چریک از «دم مرده» به سنگر اسکندری در رگ اول درآمدند و چون جنازه فضل علی را دیدند، سرش را بریده،

سه روزه به شیراز رسانیدند و عیال فضل علی و پسرش و پنج شش نفر از بنی اعمام او، بعد از اطلاع بر واقعه، از جناب قوام الملک، استیمان جسته، از فراز قلعه نارنج به زیر آمده، مطمئن گشتند و از آن زمان تا کنون که سال به ۱۳۰۴ رسیده است، صدتقر سرباز برای کوتوالی قلعه تیر برقرار است.

### [۱۰] - قلعه دارالامان

همان قلعه ایچ اصطهبانات است.

### [۱۱] - قلعه دختر

بر فراز کوه مشرقی تنگ سیانه فیروزآباد و بلوک خواجه، باروئی و چندین برج از گچ و سنگ ساخته، آن را قلعه دختر گویند، آبش از چشمه است و سالهاست این بارو و برجها شکسته، خرابه های آن برقرار است.



بقایای بنای باستانی بنام قلعه دختر نزدیک اصطهبانات - نقل از گزارش سر او دل استین مندرج در مجله عراق - جلد سوم - شماره ۲

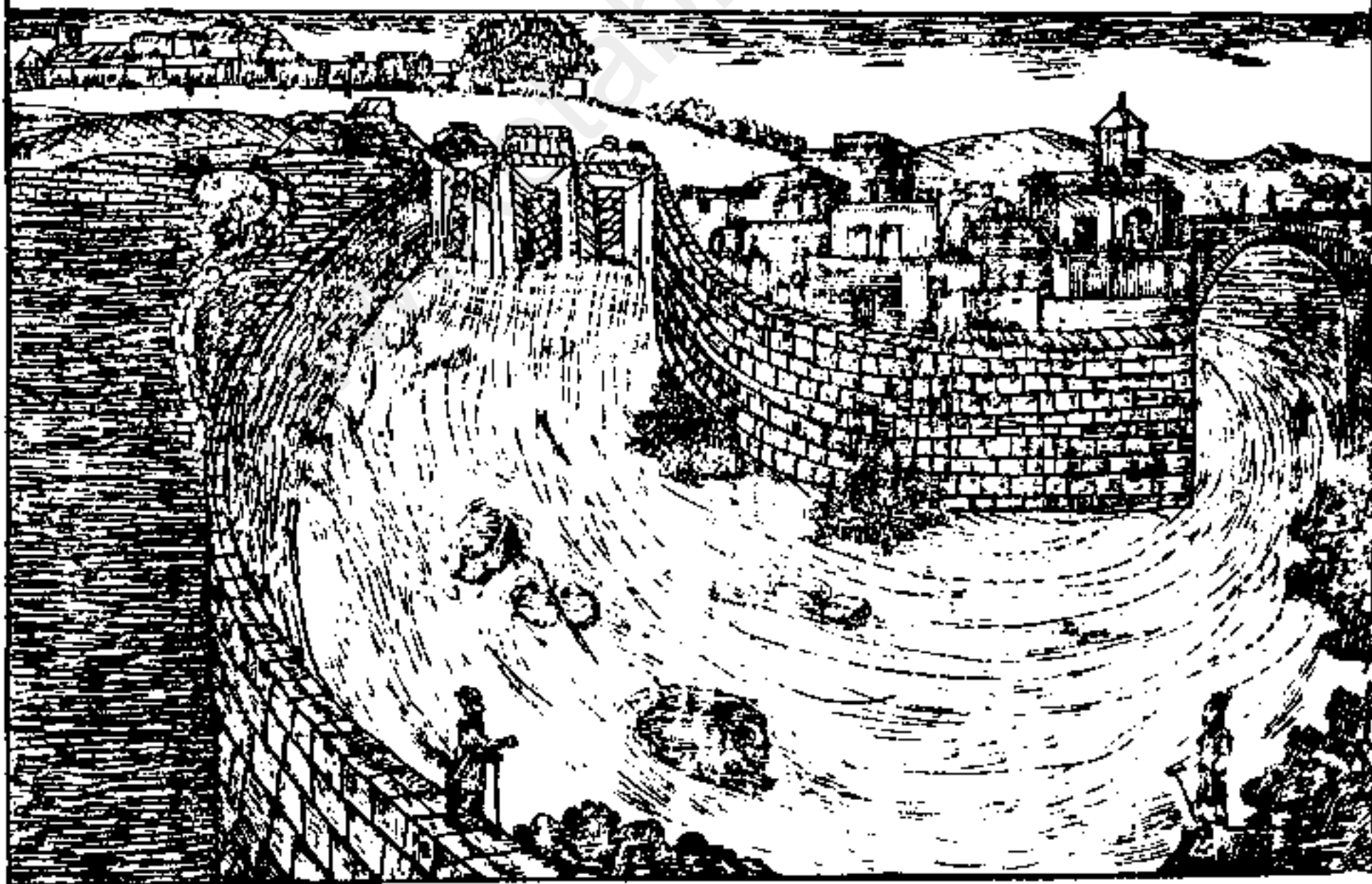
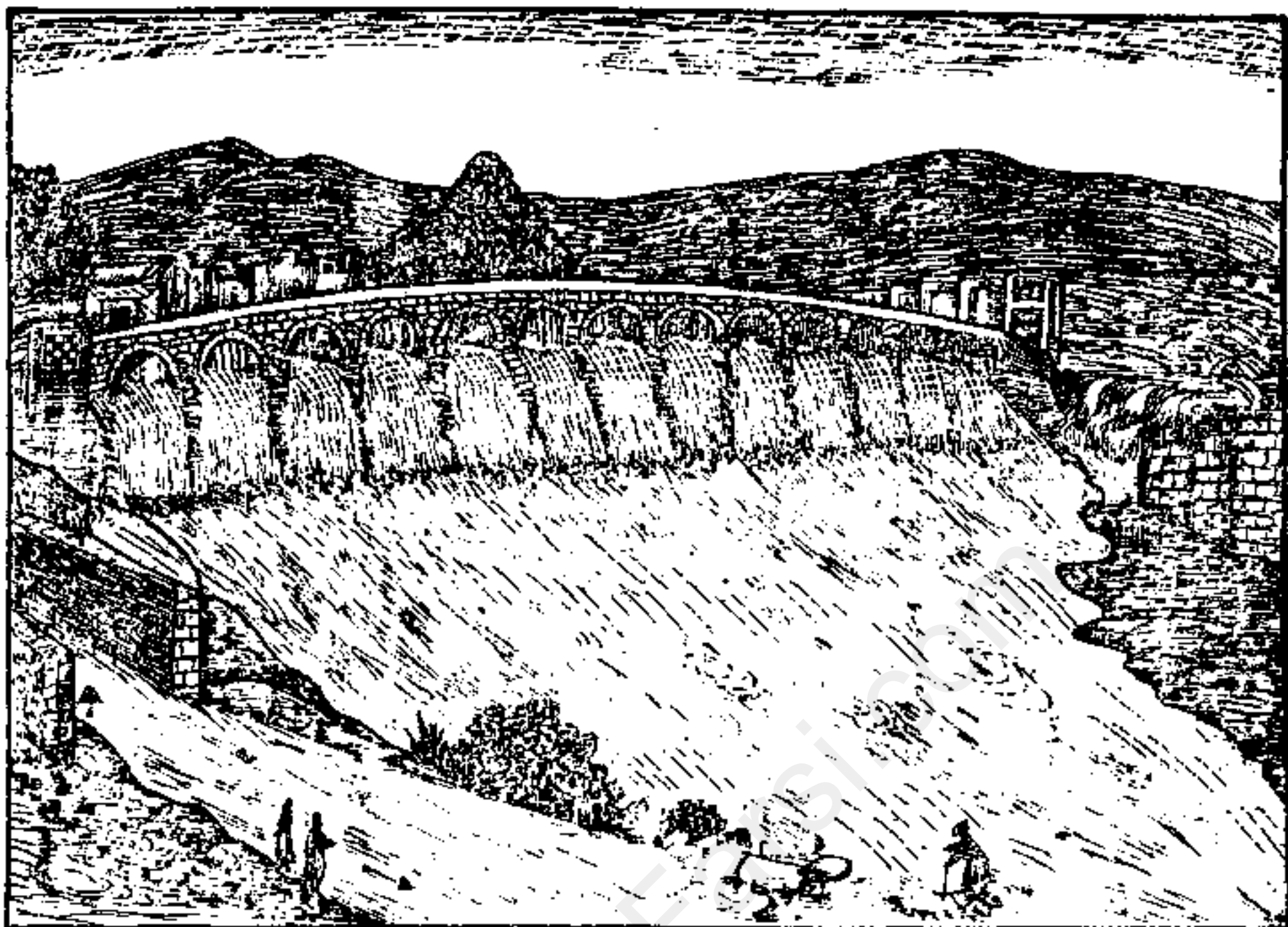
### [۱۲] - قلعه دزآب

کوه کوچکی است، ۳ فرسخ جنوبی شمس الدین عرب ناحیه باوی کوه گیلویه، آبش از چشمه است.

### [۱۳] - قلعه دز سلیمان

کوه کوچکی به مسافت کمی مشرقی شمس الدین عرب باوی کوه گیلویه است.





بنداهیر. نقاشی از فرصت شهرازی

[۱۴] - قلعه دزکوه

۲ فرسخ بیشتر میانه شمال و مغرب قصبه ده‌دشت کوه‌گیلویه است. وسعت سر این کوه از نیم‌فرسخ بگذرد به پنجاه‌شصت نفر تفنگچی چندین هزار دشمن را دفع کند، به اندازه نیم‌سنگ آسیاب‌گردان آب از چشمه شیرین و گوارا دارد و جنگلی از درخت بلوط بر فراز این قلعه است.

[۱۵] - قلعه دیددبان لارستان

قریه دیده‌بان ناحیه مضافات شهر لار، در دامنه این کوه افتاده است، آبش از آب‌انبار بارانی است و این بیت را به حضرت فردوسی نسبت دهند:

به جایتم برم، کت نباشد نشان      به میمون دز و قلعه دیده‌بان

[۱۶] - قلعه رنیه

۴ فرسخ مشرقی شهر داراب افتاده، ابتدای آن تنگ کوهی است چون از او بگذرد جلگائی شود وسیع که از جوانب آن کوهها سر بر افلاک کشیده، آبش از قنات کوچکی است، فتح این قلعه به دشواری ممکن شود.

[۱۷] - قلعه ساره

میانه بلوک فیروزآباد و خواجه افتاده و آبش از چشمه است.

[۱۸] - قلعه سفید ممسنی

آن را «دزسپید» نیز گویند، چنانکه:

گویند دزسپید کوهی است	به کنگره‌ای، فلک شکوهی است
بر قله او فلک، حصاری	در دامن او، زمین، غبساری
در پشت وی آسمان، نمودی	چون بر شتری جل کبودی
پیرامن او سه‌چار فرسنگ	با قله او زحل هم‌آهنگ

فرسخی بیشتر مشرقی شهر فهلیان است، حضرت اشرف والا معتبدال‌دوله حاجی فرهاد میرزا ادام‌الله‌بگه، در کتاب جام‌جم به کلک در رسلک چنین مرقوم فرموده است: «قلعه سفید کوهی است منقطع از جبال و هیچ کوهی بر او مشرف نیست و دور دامنه آن تخمیناً ۴ فرسخ است و چهارراه شهور دارد که به بالای آن توان رفت. نام راه جنوبی آن «سیامشیر» است که پیاده‌رو بوده و اکنون مسدود است ولی خان ممسنی در وقتی که در آن قلعه متحصن شد از سنگ و گچ، دیواری کشیده، آنرا مسدود کرد و نام راه مشرقی آن «زرین کلاه» است که در سر راه

۱. رک: فارسنامه ابن بلخی، ص ۱۵۹.

۲. رک: آثارالمعجم، ص ۳۰۲، فارسنامه ابن بلخی، ص ۱۴۷، در نزهةالقلوب، ص ۱۳۱: (اسفیددز)، و اقلیم پارس،

شیراز است و این راه نیز پیاده‌رو است و نام راه شمالی آن «گلستان» است که از فهلیان سواره تا فرازکوه قلعه سفید توان رفت و نام راه مغربی آن «شترخواب» است که در جانب نورآباد است و از این راه بر بالای کوه سواره توان رفت و ارتفاع کوه قلعه سفید، نزدیک به نیم فرسخ است و بالای قلعه زمین هموار است که کشت و زرع توان نمود و جنگل فراوان و درخت بلوط و انجیر و بادام کوهی و زیتون و انار و انگور دارد و در زمستان برف این کوه را فرا گیرد ولی دوامی نکند و علف و شکار کوهی بسیار دارد و در این کوه پنج چشمه است که سه چشمه آن در تابستان خشک شود و بالای قلعه چندین چاه داشته که انباشته گشته و در پای هر یک چشمه حوضی از سنگ تراشیده که آب در آنها جمع شود و در عهد سلاطین عجم در دوره این قلعه سنگهای بزرگ جثه ترتیب داده، چنان تعبیه کرده بودند که به اندک حرکتی آن سنگ از جای کنده، از آن کوه فلک شکوه سرازیر می‌شده و به حرکت آن صخره صما، چندین حجر و مدر با آن تا پائین می‌آمده و دشمن را مجال یورش نبود و به مرور دهور در محاصره محصورین انداخته‌اند و باز در بعضی جاها برای نمونه باقی است و به غیر آن چهارراه، چند راه پیاده‌رو دیگر هست که به زحمت به فرازکوه توان رفت و در دامنه این کوه چشمه‌های بسیار است و این بنده در ذی‌حجه الحرام سال ۱۲۵۷ در وقتی که به تنبیه و تأدیب الوار مصمم بودم به تفصیل این قلعه را ملاحظه کردم» و جز شاهنشاه صاحبقران حضرت امیر تیمور گورکان معلوم نیست که این قلعه را به قهر و غلبه گرفته باشد و شرح فتح آن در ذیل وقایع سال [۹۵] در گفتار اول این فادنامه ناصری نگاشته گردید.

### [۱۹] - قلعه سیاه

کوهی است ۴ فرسخ بیشتر شمالی فهلیان ممسنی است. آبش از چشمه و اعتباری برای این قلعه نباشد.

### [۲۰] - قلعه شکسته<sup>۱</sup>

قلعه میان قلعه است.

### [۲۱] - قلعه شهرک

همان قلعه اشکنوان است.

### [۲۲] - قلعه شهر یاری<sup>۲</sup>

کوهی است فرسخی بیشتر مغربی قریه مکوی بلوک خنج افتاده است. سه جانب آن را رودخانه «باز» فرا گرفته و چاهی که قطر آن از ۴ ذرع بیشتر است و گودی آن از ۱۰۰ ذرع متجاوز از سر این قلعه کنده تا به آب رودخانه رسیده است و به بیست نفر تفنگچی چندین هزار دشمن را دفع کند.

۱. رک: آثار العجم، ص ۲۲۱، فارسنامه ابن بلخی، ص ۱۲۶، ۱۵۶، نزهة القلوب، ص ۱۳۲.

۲. رک: آثار العجم، ص ۴۱۵.

[۲۳] - قلعہ طبر

همان قلعہ تبر است که بعد از تصرف عربی «تاء» را به «طاء» تبدیل کرده‌اند.

[۲۴] - قلعہ طوس

فرسخی شمالی قریه مال قاید از ناحیه رستم بلوک مسنی و حضرت اشرف‌والا حاجی معتمدالدوله دام اقباله در کتاب جام جم سرقوم فرسوده که: «قلعه طوس بالای کوهی بنا نهاده‌اند که از سه جانب آن رودخانه فریاب جاری است و یک جانب او، اتصال به کوه دارد و در دامنه کوه نزدیک به صدگام چشمه‌ای است که از میان قلعه تا سر آن چشمه نقبی کنده‌اند که قاطر و راویه به آسانی از آن نقب عبور می‌کند و بالای چشمه برجی ساخته‌اند که قلعیان در مقام ضرورت از آن نقب بر سرچشمه آمده، آب بردارند.»

[۲۵] - قلعہ عثمان‌لو

کوهی است، فرسخی بیشتر شمالی قریه بنارو از مضافات شهر لار، آتش از آب انبار بارانی، به ده پانزده نفر تفنگچی محفوظ بماند.

[۲۶] - قلعہ فهندز

همان قلعه پهن دز است.

[۲۷] - قلعہ قلات سرخ

کوهی است دو فرسخ جنوبی قریه گاوبندی ناحیه فومستان لارستان آتش از آب انبار بارانی است به پنجاه، شصت نفر تفنگچی محفوظ بماند. در سال ۱۲۹۹ شیخ مذکورخان آل نسور کنگانی از احکام دیوانی روی گردان گردیده، پناه به قطعه قلات سرخ برد و به حکم حضرت والا، معتمدالدوله حاجی فرهاد میرزا دام عمره، محصورش داشته، دستگیر شده به سیاست رسید.

[۲۸] - قلعہ کا حماد

کوهی است، ۳ فرسخ بیشتر جنوبی شمس‌الدین عرب ناحیه باوی کوه گیلویه، آتش از آب انبار بارانی است.

[۲۹] - قلعہ گچ

۵ فرسخ جنوبی بلده میناب ناحیه میناب عباسی، گویند وسعت سرقلعه به نیم فرسخ رسد، آتش از چاهی است که ۱۰۰ ذرع گودی آن است و به ده نفر تفنگچی، هزار نفر دشمن را دفع کند.

[۳۰] - قلعہ گراش

کوه کوچکی است به قریه گراش ناحیه مضافات شهر لار پیوسته، آتش از آب انبار بارانی است به ده نفر تفنگچی پنجهزار نفر دشمن را دفع کند.

[۳۱] - قلعہ گل کوه گیلویه

کوهی است از همه جا بریده، ۴ فرسخ مشرقی قریه عسکری ناحیه زیدون کوه گیلویه

است، آتش از چشمه، چندین راه دارد و هیچیک استحکامی ندارد.

### [۳۲] - قلعه گلاب کوه گیلویه<sup>۱</sup>

نزدیک به ۱۰۰۰ ذرع مغربی قلعه گل است ۶ فرسخ جنوبی قصبه بهبهان کوه گیلویه، کوهی است از همه جا بریده، وسعت سرکوه ۱۰۰۰ خانوار را جا دهد و اکنون نزدیک به ۳۰۰ خانوار آباد در آن مسکن دارند و این قلعه را جز یک راه نباشد و آن هم به دو نفر محافظت شود، بلندی این کوه از ۱۰۰۰ ذرع بیشتر است، آتش از چشمه است شکفتی در این قلعه است و حوضی از سنگ در صحن آن شکفت کنده اند و در هر دقیقه چندین صد قطره از چندین صدجا از سقف این شکفت ریخته، در آن حوض جمع شده، اهل قلعه را آب دهد و در سال ۱۲۸۴ نگارنده این فادنامه ناصری به مصاحبت نواب اشرف والا احتشام الدوله سلطان اویس میرزا به فراز این قلعه رفتیم.

### [۳۳] - قلعه کوه درختی بلوک فسا

در سینه کوه درختی میانه بلوک فسا و بلوک داراب، حصاری از گچ و سنگ و چندین برج ساخته و چاهی برای آب کنده اند و اکنون آن چاه انباشته و بارو خراب گشته است.

### [۳۴] - قلعه لک لاش

کوهی است فرسخی بیشتر مغربی قریه زاخور بلوک اربعه، آتش از چشمه است.

### [۳۵] - قلعه مزایجان لارستان<sup>۲</sup>

کوه کوچکی است به قریه مزایجان مضافات شهر لار پیوسته آتش از آب انبار بارانی، او را یک راه پیاده رو بیشتر نباشد و به پنج نفر محفوظ باشد.

### [۳۶] - قلعه مشتکو

کوهی است در جوار قریه گهره ناحیه فین سبعة، بلندی آن نزدیک به ربع فرسخی و وسعت سر آن نیز ربع فرسخ، آتش از چشمه، به ده نفر تفنگچی محفوظ شود.

### [۳۷] - قلعه هیان قلعه

که آنرا قلعه شکسته نیز گویند، ۴ فرسخ میانه شمال و مغرب فتح آباد، در جلگه بلوک مرودشت افتاده، او را سه چهار راه است آتش از آب انبار بارانی و این قلعه در میانه قلعه استخر و قلعه اشکنوان است.

۱. رک: آثارالعجم، ص ۴۱۱: (قلعه گل و گلاب).

۲. رک: آثارالعجم، ص ۴۱۵.

[۳۸] - قلعه میمون لارستان

کوهی است، فرسخی بیشتر مشرقی قریه فداغ ناحیه مضافات شهر لارآبش از آب انبار بارانی.

[۳۹] - قلعه نورگسی جهرم

کوهی است ۳ فرسخ جنوبی بلده جهرم آبش از آب انبار بارانی است به ۱۰۰ نفر محفوظ شود.

[۴۰] - قلعه نوگل ممسنی

به قریه نوگلک ناحیه رستم ممسنی پیوسته بر پارچه سنگ بزرگی حصار و چندین برج ساخته اند و پناه اهل قریه نوگلک است.<sup>۲</sup>

www.KetabFarsi.com

۱. ر. لک: اقلیم پارس، ص ۴۲۴ و ۴۲۳.

۲. در جهانگشای نادری، ص ۲۳، از قلعه کمشک فارس سخن رفته است.

## کوههای مشهور مملکت فارس

بباید دانست که اگر زمین کوهستان و سنگلاخ مملکت فارس را از دشت هموار فارس جدا کنند شاید از ده یک هم کمتر از کوهستان شود:

کوه اشکره: کوه گیلویه، کوه بزرگی است میانه قریه طسوج ناحیه چرام و قریه پیچاب ناحیه باوی کوه گیلویه.

کوه اغره: کوه بزرگی است میانه فیروزآباد و بلوک اربعه.

کوه الهره: به مسافت کمی جنوبی شهر جهرم است با آنکه داسنه شمالی و داسنه جنوبی این کوه گرمسیر است در زمستان برف بر سر این کوه بیارد و هوای تابستانش خنک و برف تابستانه جهرم از این کوه است.

کوه انجیره: در ناحیه بهمئی کوه گیلویه است.

کوه بارکی: جنوبی ناحیه تنگستان دشتستان است. هوایی گرم دارد.

کوه بجشک: جانب شرقی کوه گشتاسب در میانه بلوک سروستان و خفر افتاده است.

کوه بجیره: جانب شمالی کوه بارکی تنگستان دشتستان است.

کوه بخوه: فرسخی جنوبی فارغان ناحیه فارغان بلوک سبعه است با آنکه دامنه این کوه گرمسیر است هوای تابستانش خنک و در زمستان برف بر این کوه می بارد و به محافظت تا اواخر تابستان می ماند و گاهی حمل بندرعباس کند.

کوه بدیل: شمالی ناحیه حومه بهبهان کوه گیلویه است.

کوه بر آفتاب: میانه نواحی دشتی و نواحی گله دار است.

کوه برفکان: در ناحیه بهمئی کوه گیلویه است.

کوه پری کده: میانه ناحیه بکش ممسنی و ساهور میلاتی است.

کوه بموه: فرسخی میانه شمال و مشرق شیراز است هوای تابستانش خنک.

کوه بنک: میانه ناحیه لیراوی کوه گیلویه و ناحیه گناوه دشتستان است.

کوه بورکی: میانه بلوک کوار و مهارلو و حومه شیراز است.

کوه پهنوه: فرسخی میانه جنوب و مشرق شهر داراب است از هر جانب آن قناتی کنده اند،

رودخانه‌ای آب داده است. گویا این کوه را بر دریا گذاشته‌اند.

کوه بیرمی: میانه خاویز دشتستان و خورموج دشتستان است.

کوه بیل: میانه بلوک کازرون و بلوک کوه‌مرمشکفت است.

کوه بیل باغلی: میانه بلوک فراشبند و نواحی بلوک دشتی است.

کوه تاسک: میانه بلوک ممسنی و بلوک کوه مره شکفت است.

کوه توده: میانه رونیز بلوک فسا و بالا کوه فسا است انگور دیمی بسیاری بر این کوه کشته‌اند، هوای تابستانش خنک [است].

کوه جبل عالی: میانه قریه جم بلوک گله‌دار و بلوک سیراف است.

کوه چرم‌دالان: میانه بلوک خنج و بلوک اربعه است.

کوه چمپه: در جانب مشرقی ناحیه جهانگیریه لارستان است.

کوه جهانو: در بلوک اربعه است.

کوه خاک: شمال ناحیه خورموج دشتستان است.

کوه خام: میانه بلوک ارسنجان و بلوک آباده طشک است.

کوه خامی: کوه بزرگ بلندی است در ناحیه باوی کوه‌گیلویه، هوای دامنه آن در نهایت گرمی است و برف در بلندی این کوه از سالی به سالی بی‌محافظةت بماند و برف بلدهٔ بهبهان از این کوه بیاورند.

کوه خرمن کوه صیمکان: کوه بزرگی است مانند خرمن که جانبش از جانبی فرق نکند میانه بلوک صیمکان و بلوک میمند و بلوک خفر است.

کوه خرمن کوه فسا: کوه بزرگی مانند خرمن است ۳ فرسخ شمالی قصبه فسا، برف تابستانه بلوک فسا را از این کوه بیاورند.

کوه دالان: میانه بلوک فراشبند و نواحی بلوک دشتی است.

کوه دراه: جانب مشرقی ماهور میلانی است.

کوه دراک: کوه بزرگی، ۲ فرسخ مغربی شهر شیراز، برف تابستانه شیراز را از این کوه آورند و در دامنه این کوه انگور دیمی بسیار کشته و ثمری فراوان دهد.

کوه درختی: کوه بزرگی است میانه ششده بلوک فسا و نواحی داراب و ایچ اصطهبانات.

کوه درروک: میانه بلوک مالکی و بلوک گله‌دار است.

کوه درنگ: جانب جنوبی نواحی دشتی، متصل به دریاست.

کوه دنا: میانه ناحیه تل‌خسروی کوه‌گیلویه و بلوک سرحد شش ناحیه افتاده، قله‌های این کوه در تمام سال از برف سفید است و کبک دری در مملکت فارس جز در این کوه، جای دیگر توالت و تناسل نکند، گاهی در زمستانهای پر برف به جای دیگر رفته، در بهار عود کنند و ارتفاع این کوه را از صفحه دریا [ ] پا گفته‌اند.

کوه دوچنگ: فرسخی مشرقی قریه بشکان ناحیه بلوک دشتی است.

کوه دیش: میانه بلوک کازرون و کوه‌مرمشکفت است.

کوه دیل: ۸ فرسخ مشرقی بلده بهبهان، جنوبی قریه آرو ناحیه بویراحمد کوه‌گیلویه



است بساتین انگور و انجیر دیمی در این کوه فراوان است از تابستان تا پائیز در بهبهان انگور جز از «دیل» نیاورند.

- کوه دین: جنوبی شمس‌الدین عرب ناحیه باوی کوه گیلویه است.
- کوه روشنو: میانه بلوک فیروزآباد و صیمکان و اربعه است.
- کوه زرد: میانه کوشک زرد بلوک سرحد چهاردانگه و بلوک دزکرد است.
- کوه ساورز: میانه طسوج ناحیه چرام کوه گیلویه و دیلگان ناحیه بویراحمد کوه گیلویه است.
- کوه سادول: میانه نواحی گله‌دار و ناحیه فومستان لارستان و بلوک مالکی است.
- کوه سبزپوشان: کوه بزرگی است ۳ فرسخ جنوبی شهر شیراز.
- کوه سرخ: شمالی شمس‌الدین عرب ناحیه باوی کوه گیلویه است.
- کوه سمره: در بلوک اربعه است.
- کوه سفیددار: در میانه بلوک خفر، جانب جنوبی شهر خفر و جانب شمالی گوکان خفر است. برفش تا آخر بهار می ماند.
- کوه سفید: در ناحیه بهمنی کوه گیلویه است تا اواخر بهار نیمه بلندی این کوه پر از برف است.
- کوه سلامتی: جنوبی ده سرخی کوه مرهشکفت است.
- کوه سلو: میانه بلوک فسا و بلوک خفر افتاده است.
- کوه سیاه: جانب شمالی کوه سفید ناحیه بهمنی کوه گیلویه است.
- کوه شاه‌نشین گله‌دار: میانه دولت‌آباد گله‌دار و بلوک دشتی است.
- کوه شاه‌نشین کوه گیلویه: در ناحیه بهمنی است.
- کوه ظالمی: بلوک اسیر و بلوک گله‌دار در جانب جنوب این کوه است و بلوک علامرودشت در جانب شمال. برای دشواری عبور کاروان این کوه را ضرب‌المثل کرده‌اند.
- کوه غاران: از ناحیه بهمنی کوه گیلویه گذشته به ناحیه مال میر بختیاری رسیده است.
- کوه کافری: کوه بزرگی است در جانب جنوبی گله‌دار و شمالی بندر طاهری بلوک سیراف.
- کوه گاوبس: میانه قریه کال (کل) ناحیه بیخه‌قال لارستان و قریه عمادده ناحیه مضافات شهر لار افتاده است و این کوه از بسیاری مار ضرب‌المثل است.
- کوه گردان: میانه ناحیه طسوج دشتی و بلوک اربعه است.
- کوه گرم: کوه بزرگی میانه جنوب و مغرب قریه اشنایقان جره افتاده است.
- کوه گرم جهرم: کوه بزرگی است میانه بلوک جهرم و بلوک خفر.
- کوه گرم فراشبند: میانه بلوک فراشبند و جره است.
- کوه کرمسته: کوه بلندی است به مسافت سه چهار فرسخ میانه جنوب و مشرق شهر لار است و گاهی برف بر این کوه می بارد.
- کوه گرو: میانه رونیز فسا و دریاچه بختگان است.
- کوه گشتاسب: میانه بلوک سروستان و بلوک خفر است.
- کوه کلاته: جانب شمالی کوه بجیرتنگستان دشتستان است.
- کوه گله‌تنگ: میانه بلوک خواجه و فیروزآباد است.
- کوه گنو: جانب شمالی بندرعباس است از سرکوه تا دشته آن از ۳ فرسخ بیشتر است

و از دامنه آن تا بندرعباس نزدیک به ۴ فرسخ، هوای بلندی آن در تابستان مانند بلوک خفر و فسا است. آبهای شیرین و گوارا از چشمه‌سار دارد و در سر این کوه درختان سردسیری مانند سیب و به و زردآلو و در سینه این کوه درخت نارنج و نارنگی و لیمو و نخل و در دامنه آن درخت انبه و نارگیل و تمره‌ندی فراوان است و چندین ده آباد بر این کوه افتاده مانند «نارک» و «نابند» و غیره.

**کوه گودقلات:** کوه بزرگی است به مسافت کمی جنوبی قصبه اصطهبانات و شمالی قریه ششده بلوک فسا، برفش از سال به سالی بماند و در جانب جنوبی و شمالی این کوه بساتین انگور و انجیر دیمی فراوان است.

**کوه کوزه‌دان:** میانه قریه قدشکویه فسا و قطب آباد جهرم است.

**کوه گوهردان:** میانه بلوک ارسنجان و بلوک کمین است.

**کوه کویز:** کوه درازی است که نواحی فارس را از بلوک سیرجان و شهر بابک کرمان جدا کرده و جانب مغربی آن، بلوک نیریز است.

**کوه کیسه‌کان:** کوه بزرگی مشرقی قصبه برازجان و دشتستان به مسافت ۴ فرسخ افتاده، هوای تابستان سر این کوه مانند هوای تابستان بلوک خفر و فسا است.

**کوه کیلاغ:** کوه بزرگی در بلوک اربعه است.

**کوه لیلی‌مند:** میانه بلوک دزکرد و سرحد چهاردانگه است.

**کوه مال‌میر:** کوه شمالی قریه بانس بلوک بیضا است.

**کوه مبارک:** کوه بزرگی است در جانب جنوبی ناحیه موغستان بلوک عباسی و جانب جنوبی این کوه به دریای فارس پیوسته است.

**کوه مزدک:** میانه بلوک جره و کوه‌بره‌شکفت است.

**کوه نار:** میانه ناحیه دشمن‌زیاری سمنی و بلوک کوه‌بره‌شکفت است.

**کوه نارو:** میانه بلوک صیمکان و بلوک اربعه فیروزآباد است. باغستان انگور و انجیر دیمی در این کوه فراوان است.

**کوه نمک‌اغر:** پاره‌ای از کوه اغر است. در تابستان از بسیاری نمک گویا برف سر این کوه باریده است.

**کوه نمک‌جره:** میانه بلوک جره و بلوک فراشپند است.

**کوه نمک‌خفر:** میانه بلوک خفر و بلوک صیمکان است.

**کوه نمک‌دشتی:** در جانب جنوبی ناحیه سنا و شنبه است.

## معدنهای مملکت فارس

در لغت جای تکون طلا و نقره و سائند آنرا «معدن» گویند، پس شایع گشته که در هر جایی چیزهای غیر روئیدنی تکون یابد، آن را «معدن» گویند و بیشتر معدنهای مملکت فارس گمنام گشته و آنچه باقی است بر این وجه است:

**معدن زاج بلوک سبعه:** در تنگ زاج سیانه ناحیه طارم سبعه و ناحیه فین است.  
**معدن زاج بلوک عباسی:** فرسخ شمالی ده پل ناحیه مضافات بندرعباسی است.  
**معدن زاج لارستان:** در کوه چمپه ناحیه جهانگیریه است.  
**معدن سرب نیریز:** ۳ فرسخ مشرقی قریه بشنه بلوک نیریز است. ممکن است در هر سالی هزار خروار سرب بلکه بیشتر از آن به عمل بیاورند و اکنون عاقل و باطل افتاده است.  
**معدن سنباده:** در نواحی نیریز است.  
**معدن سنگ زغال:** در کوه کیسه کان، ۴ فرسخ بیشتر شمالی برازجان دشتستان است.  
**معدن عرق گوگرد لارستان:** شرح آن در عنوان چشمه آب گوگردی انوه لارستان نگاشته گردید.

**معدن فولاد نیریز:** در زمان قدیم سنگ فولاد را از کوهستان، چهارپنج فرسخی قصبه نیریز می آوردند و در محله سهادخانه که اهل نیریز گویند سهاد به معنی فولاد است، کارخانه ها بود و فولاد می ساختند و از ریم آنها اکنون تلها باقی است و فولاد نیریزی در جوهر و بریدن از همه فولادها برتری داشته، اگر پارچه ای از آن یافت شود، شمشیرگران آن را به قیمت گران می خرند.

**معدن فیروزه بلوک فسا:** در کوه گرو میانه رونیز فسا و دریاچه بختگان، گودها و نقبهایی است که آنها را تاکنون کان فیروزه می گویند و خرده های فیروزه که بزرگ آنها به اندازه دانه ارزنی است در خاک گودها و نقبها یافت می شود.

**معدن قیر بلوک رام هرمز:** نزدیک قریه چم لیشان، چشمه ای است که قیر و نطف سیاه به هم آمیخته از آن چشمه بیرون آید و در پیش آن چشمه، حوضی ساخته، آنچه از چشمه درآید در حوض بماند پس شعله آتش به حوض رسانند تا آنچه نطف است، بسوزد، پس سوراخی را که در پایان

حوض گذاشته‌اند گشوده آنچه قیر است و به‌آتش گذاخته گشته، از سوراخ درآمده، داخل آب رودخانه که به‌حوض پیوسته است گردد و از این است که پاره‌های قیر این چشمه مانند کنده‌های درخت است. مؤلف این فارسنامه در سال ۱۲۹۳ این چشمه را سلاحظه نمودم.

**معدن قیر کوه گیلویه:** شرح آن در عنوان چشمه قیری گذشت.

**معدن گل سرشوی بلوک اردکان:** گل معروفی است که از ۲ فرسخ میانه شمال و مغرب قصبه اردکان از گریوه کوه درآورند و خروارها بار اطراف کنند برای پاک کردن موی آدمی از چربی و چرک و نرسی مشهور است. این معدن از زمان قدیم منافع آن در تیول مرحوم آقامیرزا علی مجتهد اردکانی بود و تاکنون در دست ورثه او، باقی است.

**معدن گوگرد انوه لارستان:** در نزدیکی قریه انوه ناحیه جهانگیریه لارستان است.

**معدن گوگرد اهرم دشتستان:** فرسخی شمالی قریه اهرم ناحیه اهرم دشتستان است.

**معدن گوگرد بلوری لارستان:** در نزدیکی قریه کرمسته، از ناحیه مضافات شهر لار است، پاره‌های این گوگرد مانند پاره‌های بلور زرد روشن و شفاف است و گوگرد لاری که در کتابها می‌نویسند همین گوگرد کرمسته است.

**معدن گوگرد تنگ چویل کوه گیلویه:** در تنگ چویل ناحیه بهمنی کوه گیلویه است و از نزدیک آن، پیوسته دودی از شکافهای زمین درمی‌آید.

**معدن گوگرد چشمه بوشکان کازرون:** آنچه از آب این چشمه ته‌نشین شود گوگرد خالص است.

**معدن مس بوانات:** ۲ فرسخ جنوبی قریه بزم بوانات است.

**معدن مس بلوک فسا:** در کوه سلومیه بلوک فسا و خفر است.

**معدن مس بلوک فسا:** در کوه گرو، سه‌چهار فرسخ شمالی قریه رونیز بلوک فسا است و از این ۳ معدن جز ناسی باقی نمانده است.

**معدن مومیائی تنگ تکاب:** از ناحیه حومه بهبهان کوه گیلویه در جانب مشرقی به قریه تنگ تکاب پیوسته و در کمر آن کوه به بلندی شصت هفتاد ذرع سوراخی که مومیائی در آن جمع می‌شود و از سر کوه تا آن سوراخ، نزدیک به سی‌چهل ذرع یا بیشتر است، مردی خود را به طناب آویخته، از سر کوه تا به سوراخ رسد پس صد مثقال یا بیشتر یا کمتر مومیائی در آورد و گویند مومیائی تنگ تکابی یا مومیائی دارابی برابر در خاصیت است.

**معدن مومیائی خورموج دشتستان:** در کوه بیرمی، شمالی قریه خورموج است، در سال ۱۰۰۰ مثقال یا بیشتر دهد.

**معدن مومیائی داراب:** دو فرسخ بیشتر مغربی قریه غیائی و دولت‌آباد بلوک داراب از شکاف کوهی در هر سالی به اندازه نارنجی یا بیشتر به تفاوت سال خشک و تر عاید گردد و در کتاب طب، مومیایی دارابی را بر همه ترجیح دهند.

**معدن مومیائی مون‌گرد کوه گیلویه:** در نزدیکی قلعه دزکوه ناحیه ده‌دشت، در سالی ۵ من، ۶ من بلکه بیشتر مومیائی دهد و منفعت درستی ندارد.

**معدن مومیائی نازکان کوه گیلویه:** فرسخی شمالی قریه دیل ناحیه بویراحمد کوه گیلویه است در سالی بیشتر از خرواری دهد و مانند مومیائی مون‌گرد است.

معدن نطف سیاه دالکی دشتستان: در جانب جنوبی قریه دالکی به مسافت کمی چندین چاه که عمق هر یک به ذرع و نیمی، رسد پر از آب و نطف است، بعد از دور کردن آب، در خیک ریخته به اطراف برند.

معدن نطف سیاه ماهورمیلاتی: ۱ فرسخ شمالی قریه جمال کر است.

معدن نمک هفت رنگ داراب: در نزدیکی چشمه شاهبجان و قریه علی آباد، کوه کوچکی است که به چندین رنگ، نمک بلوری دهد.

---

به تاریخ پنجشنبه دهم ماه شعبان معظم سنه ۱۳۰۴ سال تنگوزئیل خیریت دلیل در قریه قصر کرم بلوک فسا از تألیف و نگاشتن گفتار دویم از فادمنامه ناصری صانهاالله تعالی عن الحوادث به دست مؤلف ذلیل آرزوسند رحمت از فضل رب جلیل، حاجی میرزا حسن طبیب شیرازی ختم گردید و در روز یکشنبه دوازدهم شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۱۲ به ید بنده ائیم عبدالرحیم بن محمد علی فیروز کوهی سمت تحریر یافت.

## فهرست نام بلوکات و نواحی و دهات مملکت فارس

چون اسامی بلوکات مملکت فارس را به ترتیب حروف تهجی با سلاطه حرف دویم و سیم در اوراق فارسنامه نگاشتم و نام هر ناحیتی از نواحی هر بلوکی را به ترتیب در ذیل آن بلوک و نام هر دهی از دهات هر ناحیه و هر بلوکی را باز به ترتیب در ذیل آنها نوشتم، لازم آمد که برای تسهیل یافتن هر یک از بلوکات و نواحی و دهات فهرستی بترتیب حروف نوشته شود:

فهرست اسامی بلوکات فارس که نام هر یک در خانه‌ای از این شش جدول نوشته [شده است]

آباد علی	آباد علی	ابرق	اردکان	آرسنجان	آسیر	اصطهبانات	آفرین	آوال	مجرین	بشاکرد
توانات	پیشینا	توز	چری	جوه	جهرم	خوشیزان	خست	خفیر	خنج	خواجند
داراب	دیزکرد	دشمن	دوق	رامهرمز	روان	سبعه	سرخاها	سرخاها	سرخاها	سرخاها
سیاخ	سپان	شولستان	صمکان	علامرودک	قال	فامور	فرشبند	فنا	فلاچی	فیروزآباد
قونبری	قزاق	کامروز	کرنا	کلدار	کین	کنکان	کوانر	کوه گیلو	کوه گیلو	کوه گیلو
مالکی	مادری	مروست	مشهد	مشهد	ممشنی	میتند	نپریز	هرات		

باید دانست که «ناحیه» جایی را گویند که دارای چندین ده و مزرعه باشد و در قدیم هر ناحیتی بلوکی علی‌حده بود به مناسبت هر یکی را جزء بلوک دیگر کرده این جزء را ناحیه گویند مثلاً خسو بلوکی بود چون آنرا جزء بلوک داراب نمودند گفتند ناحیه خسوی داراب و برای آسان یافتن هر ناحیتی ذیل این صفحه را چهارستون و هر ستونی را دو جدول و هر جدولی را ۳۳ خانه در جانب راست و ۳۳ خانه در جانب چپ و در خانه‌های جانب راست نام نواحی و در جانب چپ نام بلوکات را نوشتم.

### فهرست اسامی نواحی بلوکات فارس

احمدی	رودان	جای وی	متنی	ستم	متنی	کاکلی	دشتی
انگالی	دشتان	جان بیدی	متنی	رود حله	دشتان	گله گاه	سبع
اهره	دشتان	خرای	فلاحی	یریون	کوه گیلویه	کان لا	دشتان
ابین	عباسی	چرام	کوه گیلویه	زنگنه	دشتان	کورستان	لاستان
بادنا	سردهشاهی	چرشت	خنج	زیدور	کوه گیلویه	گوان	خفر
باشت	کوه گیلویه	جورک	کام فیروز	زیرا	دشتان	کوه مشرف	کازرون
باوی	کوه گیلویه	جویم	زپشهر	ذیرکوه	کوه گیلویه	کوه مشرف	کازرون
برازجان	دشتان	جهانگیریه	لاستان	بیمبر	سردهشاهی	کوه مشرف	کازرون
بردستان	دشتی	حتا	سردهشاهی	سنا	دشتی	کوه مشرف	کوه گیلویه
بختکوه	کوه گیلویه	خوش بهبهانه	کوه گیلویه	شبانکاره	دشتان	لینگه	لاستان
بلادشاه	کوه گیلویه	حیاتادق	دشتان	شمیل	عباسی	لپرویی	کوه گیلویه
بکش	متنی	خوی	داراب	شیبکوه	رام جرد	فاندینان	دشتی
باولک	دشتی	خشن آباد	سبع	شیبکوه	فنا	مضافات	دشتان
بوشهر	دشتان	خزک بفل	مرو دشت	شیبکوه	لاستان	مضافات	عباسی
بوی احمد	کوه گیلویه	خزک علیا	مرو دشت	طاهر	سبع	مضافات	لاستان
بهگتی	کوه گیلویه	خور	سردهشاهی	طواج	دشتی	موضیان	عباسی
بچه اشمار	لاستان	خور موج	دشتان	کتبی	کوه گیلویه	میناب	عباسی
بچه فال	لاستان	خیری	اصطبات	قاریان	سبع	نونی	کوه گیلویه
بوقنج	سبع	خالکی	دشتان	فرک	سبع	وردهشت	سردهشاهی
تل خیری	کوه گیلویه	دشمن فیاری	کوه گیلویه	قلانرد	سردهشاهی	ونک	سردهشاهی
تمپی	هنگی	دشمن فیاری	متنی	فومینان	لاستان	هراث	مرو دشت
تنگنان	دشتان	دیلا دشت	کوه گیلویه	تهلپیان	متنی	هکان	جرم
نواح	لاستان	دیلا سرد	اربعه	فین	سبع	هنگام	اربعه
جانک	کوه گیلویه			قره باغ	خوشیراز		

صفحه بعد ازین را بر دو ستون بزرگ قسمت نموده هر ستونی را بر سه جدول در جدول اول از ستون اول نام دهاتست جدول دوم از ستون اول نام نواحی جدول سیم از ستون اول نام بلوکات و اگر بلوکی را ناحیتی نباشد خانه میانی را خالی گذاریم و بر این قرار ستون دوم قسمت شود.

## فهرست دهات فارس

دهات	نواحی	بلوکات	دهات	نواحی	بلوکات
ابوعالی		کازرون	آب		ملخ
ابوالقاسم	حوش بهبهان	کوه گیلویه	آباد	زنگنه	پشتان
ابوالفتح	بیرادی	کوه گیلویه	آباد خرا		کرمان
انابک		کرمان	آباد شاپور		خفر
آنزلی		آنزلی	آبادی		راجمرد
انجاس		حوش شیراز	آباد		کوار
احشام	فومنستان	لارستان	آبادان	خزک علیا	مردشت
احشام جنت	برازجان	دشتستان	آباد باریک		سرد چنبد
احشام قابد	بخچه احشام	لارستان	آبادان	بروستان	دشتستان
احشام مختل	رود قلعه	دشتستان	آباد دیز	دشمن زاری	کوه گیلویه
احمد آباد		اربه	آباد سبز	ماندستان	دشتستان
احمد آباد		ارستان	آباد سبز		خفر
احمد آباد		حوش شیراز	آباد سبز		کوه تزه کفست
احمد آباد		سرد چهارناجیه	آباد شیخ		صیقلکان
احمد آباد		سردستان	آباد شیخ ابوطی		اربه
احمد آباد		فیروز آباد	آباد شیبین	بور احمد	کوه گیلویه
احمدی		سردستان	آباد گرم		آنزلی
احمدین	بیرادی	کوه گیلویه	آباد کرمان	قل خردی	کوه گیلویه
احمد محلی		بید شبر	آباد گاران		کازرون
احمدی		رودان احمدی	آباد ماه	فین	سبعم
احمدی	مضافات لامشهر	دشتستان	آباد ملخ		سرد چهارناجیه
انگشت		انگشت	آباد نیلو	سنا	دشتستان
انگند		مالکی	آباد آوند	چرام	کوه گیلویه
انزلیکان		مردست	آباد	بور احمد	کوه گیلویه
انزجان	حوش بهبهان	کوه گیلویه	آباد کان		سرد چهارناجیه
انزلی		صیقلکان	آباد گان	ده دشت	کوه گیلویه
آباد	مضافات لار	لارستان	آباد ساس		سرد چهارناجیه
انزلی		ابر قوه	آبادان کرمان		خفر
انزنان		حوش شیراز	آباد شکار	فارغان	سبعم
آنزلی	خیاط دادو	دشتستان	آباد شنا		خفر
آنزلی		همان ارجمان است	آباد اما		کند دار
آردکان		آباد و اقلید	آباد امیر	بیش	میتن
آردم		داراب	آباد امیر		همان آل امیر است
آردنک	شیب کوه	لارستان	آباد انجان		راجمرد
آردوه	طیسی	کوه گیلویه	آباد بن	فین	سبعم
آردکان		حوش شیراز	آباد لان		چرم
اسحق آباد		آباد و اقلید	آباد هم آباد		بضاد
اسد آباد		آباد و اقلید	آباد هم آباد		خواجیه
اسد آباد مغلی		ابر قوه	آباد نیق		راجمرد
اسد آباد علیا		ابر قوه	آباد نهر		کام فیروز
اسفندکان		راجمرد			دشتستان

در این فهرست دهات فارس



دهات	نواحی	بلوگات	دهات	نواحی	بلوگات
اسفندان		سرحد شترانچیه	اسفندان		مردشت
اینگیل		سیمکان	املاک		جره
ایغزآباد		ایر قوه	امین آباد		اماده اقلید
اسفندبار	یرادی	کوه گیلویه	امیرآباد		اماده اقلید
ایغیان		سیمکان	امیران	لنگه	لارستان
ایغیان	کاکان	مستق	امیر شیخ	پادی	کوه گیلویه
اسماعیل آباد		بیضاء	امیر می		حور شیراز
اسماعیل آباد		خفر	امین آباد		خفر
اسماعیل آباد		خواجده	آقا	پادی	کوه گیلویه
اسماعیل آباد		راگرد	آناج	مضافات لار	لارستان
اسماعیل آباد		زوشیند	آناورستان	برازجان	دشتان
اسماعیل ادرغلی		کربال	انجیر		حور شیراز
اسماعیل ادرابی		کربال	انجیره	خزک علیا	مردشت
اسماعیل آباد		مردشت	انجیر	رستم	مستق
اشناغان		جره	انجیر	شیان کوه	دشتان
اشکان	بجرفال	لارستان	آنزق	چانگیریه	لارستان
اشکوریه		خفر	آنکله		دشتان
ایشین		لارستان	آنکوزان		بنا کرد
آغان		سیمکان	آنکوزان	مضافات بندرک	عباسی
اکبرد		اماده اقلید	آنوه	چانگیریه	لارستان
اکبر		مالکی	ارال		بکرین
اکبر آباد		جرم	اوجان		سرحد شترانچیه
اکبر آباد	ششده	فا	اوزیل	یوسفی	کوه گیلویه
اکبر آباد	شر	فا	افتم		دشتان
اکبر آباد		کیرین	اقیل	بجرفال	لارستان
اکبر آباد		کوار	انانجان		بیضاء
اکراد		کربال	انج		اصطوانات
النجین سفلی	جرام	کوه گیلویه	آبدنک	طیتی	کوه گیلویه
النجین علیا	جرام	کوه گیلویه	ایزدخواست		اماده اقلید
ایک		فامور	ایزدخواست		حور شیراز
الزان	یوسفی	کوه گیلویه	ایزدخواست	سزایجان	لارستان
الوند	طیتی	کوه گیلویه	ایسین		عباسی
الیه		کازرون	ایک		اصطوانات
امام حسن	یرادی	کوه گیلویه	ابلان		سروستان
امازاده اسماعیل		فاشین	ایلو	چانگیریه	لارستان
امازاده بابا احمد	حور بهیمان	کوه گیلویه	آبقد		سینج
امازاده دراهنی	بشیر	مستق	پانین شهر	چناب	عباسی
امازاده شهید		اریمه	بابا احمد		بمان امامزاده بابا ابوبکر
امام سفید		رامهرمز	بابا ابود		سینج
امام غیب		سرحد شترانچیه	باباخسین سفلی	یرادی	کوه گیلویه
انرا باد		کربال	باباخسین علیا	یرادی	کوه گیلویه

دهات	نواحی	بلوکات	دهات	نواحی	بلوکات
باباسلار	بمش	ممش	بابان		کوار
باباعرب		جرم	باغ انار		کوار
باباکان		اردکان	باغ باسلار		قبروکارزین
بابالاز		خفر	باغ بیشه		خفر
بابامشیر		دهورستان	باغ تاج	برازجان	دشتستان
بابانجیر		ارویه	باغ جمال	میناب	عمای
بابانادی	چرام	کوه گیلویه	باغچه	تنگستان	دشتستان
بابانکان	قل خضروی	کوه گیلویه	باغ دشت		جرم
تابیل		راهرز	باغستان	فین	بهر
بابلیام		بیضا	باغستان	لشت سحر	کوه گیلویه
بابونک		حور شیراز	باغ سیاه		قونقری
بابونک		راجرود	باغ شاه		قبروآباد
بابونچه		کازرون	باغ شکری	مضافات شهر	دشتستان
بابون		فرشید	باغ شیخ علی	میناب	عماس
بابادچه		خفر	باغ عوض		جرم
بابونا		سردشت	باغک	تنگستان	دشتستان
بادوله	ماندستان	دشت	باغ کبیر	لوکان	خفر
باده کان	کوهان	خفر	باغ گلشن		جرم
باده کی		سرد چهارباغ	باغ ملک	قل خضروی	کوه گیلویه
ناز		بشکر	باغ نارنجی	حور فیدیان	ممش
نازآباد		راجرود	باغ نارنجی		خاور
نازک	خیر	مسطحات	باغ ترکس		رودان احمدی
نازکاهی	برازجان	دشتستان	باغ تو		کام فیروز
نازور	خوک خدا	سردشت	باغلاک	بچه خان	لارستان
نازوس	لوکان	خفر	باغله	شیرکوه	لارستان
نازه		کازرون	باک		قونقری
نازکی	تنگستان	دشتستان	بال		گلدار
نازیکو		گلدار	بالادیه		جرم
نازنجیه		سرد چهارباغ	بالاشهر		خفر
نازبازی	میناب	عماس	بالاشهر	میناب	عماس
نازیدی	ایرادی	کوه گیلویه	بالاشهر		نیرز
ناستین		رامهرمز	بالاکو		فسا
ناستکان		اردکان	بالانگری		کام فیروز
باسلار		قبروکارزین	بالنگینان	ماندستان	دشتی
باشفت	بوی	کوه گیلویه	بالونک		رامهرمز
باشکر	سرخستان	عماس	باسیر ماهود		بمان بابا خیرات
باشی	تنگستان	دشتستان	باشیر	ماندستان	دشتی
باغ	مضافات لار	لارستان	باشق		بیضا
باغان		خفر	باغچه		داباب
باغان	سنا	دشتی	بانیان		فسا
باغان	شمیر	عماس	بادزدان	شیرکوه	لارستان

دهات	نواحی	بلوچان	دهات	نواحی	بلوچان
مان سنگان		داراب	پرنسنگان		داراب
باؤک		کازرون	پرنسنگت		همدان
باو بی		ایر قوه	پرنسنگت		همدان
باپن	مضافات لار	کوه گیلویه	پرنسنگت		همان
بنانه	برستان	لارستان	پرنسنگت		اردکان
بنلو	ننگستان	دشتی	پرنسنگت		اردکان
بنو	چهارگیزه	دشتستان	پرنسنگت		داراب
بجبر	شیب کوه	لارستان	پرنسنگت		کنگان
بخرنیه		فلاسی	پرنسنگت		قزو و کازرون
بختاپرد		داراب	پرنسنگت	بلوک	دشتی
بختوت	نارغان	سهم	پرنسنگت		بعضا
بذاف		ایر قوه	پرنسنگت		مالکی
بدا بیان		سیبک	پرنسنگت	لنگه	لارستان
بیدار	مضافات لار	لارستان	پرنسنگت	لنگه	لارستان
بدلی	حومه بیبهان	کوه گیلویه	پرنسنگت		حومه شیراز
بدم		قزو و کازرون	پرنسنگت		دشتی
بدمی	فرک		پرنسنگت		نیریز
بندو		سهم	پرنسنگت		کوه گیلویه
بندان	قر خنروی	سرخ	پرنسنگت		مرو دشت
بندوبید		کوه گیلویه	پرنسنگت		لارستان
بوازجان		مرو دشت	پرنسنگت		لارستان
بوازجان		ارجمه	پرنسنگت		لارستان
بوازجان		دشتستان	پرنسنگت		کوه گیلویه
بوازجان		سرخانان	پرنسنگت		کازرون
براش	چهارگیزه	لارستان	پرنسنگت	رستم	مستنی
براشکفت	قر خنروی	کوه گیلویه	پرنسنگت		مالکی
براشکفت	جاودی	مستنی	پرنسنگت		بوانات
براشکفت		کوه مره شکفت	پرنسنگت		مرو دشت
بروانی	قر خنروی	کوه گیلویه	پرنسنگت		لارستان
بروانی		صیدکان	پرنسنگت		لارستان
بروانی	مضافات لار	لارستان	پرنسنگت		کوه گیلویه
برایجان		مخمر	پرنسنگت		کازرون
برج حاجی منیر	زیدون	کوه گیلویه	پرنسنگت	رستم	مستنی
بز دستان		دشتی	پرنسنگت		مالکی
بز دنگان	کبکسر	مستنی	پرنسنگت		بوانات
بز دول	فومستان	لارستان	پرنسنگت		مرو دشت
ببوده		حومه شیراز	پرنسنگت		لارستان
برده خار طبع	ماندستان	دشتی	پرنسنگت		فلاسی
برده خان نو	اندستان	دشتی	پرنسنگت		کام خیزد
برده کوه		گلده دار	پرنسنگت		حومه شیراز
بریدکان		خواجیه	پرنسنگت		مشت
برزین		سروستان	پرنسنگت		بعضا